بسم الله الرحمن الرحیم

در سال دهم هجرت، پيامبر خدا (ص) به مردم اعلام کرد که سال آخر حیات اوست. حضرت در آن سال به حج خانه خدا مشرف شد. تنها حجی که حضرت پس از هجرت انجام داد و تعداد زیادی از مردم حضرت را همراهی کردند.

در بازگشت از سفر حج حضرت در محلی به نام «غدیر خم» مردم را گرد آورد و علی (ع) را به عنوان وصی و جانشین خود معرفی نمود. متن خطبه رسول خدا (ص) در غدیر خم چنین است:

## حمد و ثنای الهی

اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی عَلا فی تَوَحُّدِهِ

ستایش خدای را سزاست که در یگانگی‌اش بلند مرتبه است

وَ دَنا فی تَفَرُّدِهِ

و در تنهایی‌اش به آفریدگان نزدیک است؛

وَجَلَّ فی سُلْطانِهِ

سلطنتش پرجلال است

وَعَظُمَ فی اَرْکانِهِ،

و در ارکان آفرینش‌اش بزرگ است.

«وَاَحاطَ بِکُلِّ شَیءٍ عِلْماً» وَ هُوَ فی مَکانِهِ

بی آنکه مکان گیرد و جابه‌جا شود، «بر همه چیز احاطه دارد» (طلاق/ 12)

وَ قَهَرَ جَمیعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَ بُرْهانِهِ،

و بر تمامی آفریدگان به قدرت و برهان خود چیره است.

حَمیداً لَمْ یَزَلْ،

همواره ستوده بوده.

مَحْموداً لایَزالُ

و ستوده خواهد بود.

وَ مَجیداً لایَزولُ

و مجد و بزرگی او را پایانی نیست.

وَمُبْدِئاً وَمُعیداً

آغاز و انجام از او است.

وَ کُلُّ أَمْرٍ إِلَیْهِ یَعُودُ

و برگشت تمامی امور به سوی اوست.

بارِئُ الْمَسْمُوکاتِ

اوست آفریننده آسمان‌ها.

وَداحِی الْمَدْحُوّاتِ

و اوست گستراننده زمین‌ها.

وَجَبّارُ الْأَرَضینَ وَ السّماواتِ،

و حکمران آن‌ها است.

قُدُّوسٌ سُبُّوحٌ،

مقدس است و منزه از هر بدی.

رَبُّ الْمَلائکَةِ وَالرُّوحِ،

و پروردگار فرشتگان و روح الامین است.

مُتَفَضِّلٌ عَلی جَمیعِ مَنْ بَرَأَهُ،

همه مخلوقاتش را مورد لطف قرار میدهد

مُتَطَوِّلٌ عَلی جَمیعِ مَنْ أَنْشَأَهُ.

و به همه موجودات نعمت میبخشد.

یَلْحَظُ کُلَّ عَیْنٍ وَالْعُیُونُ لاتَراهُ.

بر دیده ها مسلط است اما هرگز دیده‌ای او را نبینند.

کَریمٌ حَلیمٌ ذُو أَناتٍ،

کریم و بردبار و شکیباست.

قَدْ وَسِعَ کُلَّ شَیءٍ رَحْمَتُهُ

رحمت‌اش همه جا را فرا گرفته (اشاره به غافر/ 7)

وَ مَنَّ عَلَیْهِمْ بِنِعْمَتِهِ.

و با نعمتهایش بر مخلوقات منت گذاشته است.

لا یَعْجَلُ بِانْتِقامِهِ،

در انتقام شتاب نمیکند.

وَلایُبادِرُ إِلَیْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ عَذابِهِ.

و سرعت نمیگیرد در انجام کیفری که گنهکاران را سزاست.

قَدْ فَهِمَ السَّرائِرَ

بر نهان‌ها آگاه است

وَ عَلِمَ الضَّمائِرَ

و درون‌ها را می‌داند.

وَلَمْ تَخْفَ عَلَیْهِ الْمَکْنوناتُ

پوشیده‌ها بر او پنهان نیست

ولا اشْتَبَهَتْ عَلَیْهِ الْخَفِیّاتُ.

و پنهان‌ها بر او روشن است.

لَهُ الْإِحاطَةُ بِکُلِّ شَیءٍ،

به همه چیز احاطه دارد

والغَلَبَةُ علی کُلِّ شَیءٍ

و بر هرچیزی چیره است

والقُوَّةُ فی کُلِّ شَئٍ

نیروی هرچیزی از اوست

والقُدْرَةُ عَلیٰ کُلِّ شَئٍ

و قدرت بر هر چیزی دارد

وَلَیْسَ مِثْلَهُ شَیءٌ.

و هیچ چیز چو او نیست (اشاره به شوری/ 11).

وَ هُوَ مُنْشِئُ الشَّیءِ حینَ لاشَیءَ

اوست ایجادگر هر موجود آن گاه که هیچ نبود

دائمٌ حَیٌّ

جاودانه و زنده است

وَ قائمٌ بِالْقِسْطِ،

و برپاکننده عدل و داد (اشاره به آل عمران/ 18)

«لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ»

جز او خداوندی نیست و اوست مقتدر و حکیم» (آل عمران/ 18)

جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِکَهُ الْأَبْصارُ

برتر از آن است که دیده ها او را دریابند.

«وَ هُوَ یُدْرِکُ الْأَبْصارَ وَ هُوَ اللَّطیفُ الْخَبیرُ»

«و اوست دریابنده دیده‌ها و بر پنهانی‌ها آگاه و بر کارها داناست» (انعام/ 103)

لایَلْحَقُ أَحَدٌ وَصْفَهُ مِنْ مُعایَنَةٍ

کسی از راه دیدنش، اوصافش را درک نمی‌کند

وَلایَجِدُ أَحَدٌ کَیْفَ هُوَ مِنْ سِرٍ وَ عَلانِیَةٍ إِلّا بِما دَلَّ عَزَّوَجَلَّ عَلی نَفْسِهِ.

و هیچ کس از طریقی پنهان یا آشکار، چگونگی او را درک نمی‌کند، مگر با آنچه حضرتش - عزّوجلّ - خود، راه نماید و بشناساند.

وَأَشْهَدُ أَنَّهُ اللهُ الَّذی مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسُهُ،

و گواهی می‌دهم که او «الله» است. همو که پاکی و تنزّهش سراسر روزگاران را فراگرفته

وَالَّذی یَغْشَی الْأَبَدَ نُورُهُ،

همو که نورش ابدیت را پوشانده

وَالَّذی یُنْفِذُ أَمْرَهُ بِلامُشاوَرَةِ مُشیرٍ

همو که فرمانش را بدون مشورت مشاوری اجرا میکند

وَلامَعَهُ شَریکٌ فی تَقْدیرِهِ

در اجرای مقدّراتش شریکی ندارد

وَلایُعاوَنُ فی تَدْبیرِهِ.

و در سامان دادن امور، کسی یاری‌اش نمی‌کند.

صَوَّرَ مَا ابْتَدَعَ عَلی غَیْرِ مِثالٍ،

آفرینش را بدون الگو به تصویر کشید

وَ خَلَقَ ما خَلَقَ بِلامَعُونَةٍ مِنْ أَحَدٍ وَلا تَکَلُّفٍ وَلاَ احْتِیالٍ.

و مخلوقات را بدون یاور ، بدون زحمت و بدون چاره‌جویی، هستی بخشید.

أَنْشَأَها فَکانَتْ

ایجاد کرد پس بی‌درنگ موجود شدند.

وَ بَرَأَها فَبانَتْ.

و خلق کرد پس بی‌درنگ پدیدار گشتند.

فَ«هُوَالله الَّذی لا إِلٰهَ إِلّا هُو»

پس «اوست «الله» که معبودی به جز او نیست» (حشر/ 22).

المُتْقِنُ الصَّنْعَةَ،

همو که استوار می‌سازد.

اَلْحَسَنُ الصَّنیعَةِ،

و ساخته‌اش زیبا است.

الْعَدْلُ الَّذی لایَجُورُ،

دادگری که ستم روا نمی‌دارد

وَالْأَکْرَمُ الَّذی تَرْجِعُ إِلَیْهِ الْأُمُورُ.

و بخشنده‌ای که کارها به او بازمی‌گردد.

وَأَشْهَدُ أَنَّهُ اللهُ الَّذی تَواضَعَ کُلُّ شَیءٍ لِعَظَمَتِهِ،

و گواهی می‌دهم که او «الله» است که همه چیز در برابر عظمتش فروتن‌ است.

وَذَلَّ کُلُّ شَیءٍ لِعِزَّتِهِ،

و همه چیز در مقابل عزّتش خوار و بی‌مقدار است.

وَاسْتَسْلَمَ کُلُّ شَیءٍ لِقُدْرَتِهِ،

و همه چیز در برابر توانایی‌اش تسلیم است

وَخَضَعَ کُلُّ شَیءٍ لِهَیْبَتِهِ.

و همه چیز در برابر هیبتش سر به زیر افکنده‌.

مَلِکُ الْاَمْلاکِ

پادشاه هستی‌ها است

وَ مُفَلِّکُ الْأَفْلاکِ

و چرخاننده سپهرها است

وَمُسَخِّرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، «کُلٌّ یَجْری لِأَجَلٍ مُسَمّی»

و رام‌کننده آفتاب و ماه است «که هریک تا اَجَل معین جریان یابند» (رعد/ 2)

«یُکَوِّرُ الَّلیْلَ عَلَی النَّهارِ وَ یُکَوِّرُ النَّهارَ عَلَی الَّلیْلِ» «یَطْلُبُهُ حَثیثاً»

«او پرده‌ی شب را به روز می‌پیچد و پرده‌ی روز را به شب پیچد» (زمر/ 5) «که شتابان در پی آن است» (اعراف/ 54)

قاصِمُ کُلِّ جَبّارٍ عَنیدٍ

اوست شکاننده‌ی هر ستمگر سرکش

وَ مُهْلِکُ کُلِّ شَیْطانٍ مَریدٍ.

و اوست نابودکننده‌ی هر شیطان رانده شده.

لَمْ یَکُنْ لَهُ ضِدٌّ

او را ناساز و منازعی نیست

وَلا مَعَهُ نِدٌّ،

و همراهش شریکی نیست

أَحَدٌ صَمَدٌ

یکتا و بی نیاز است (اشاره به اخلاص/ 1-2)،

«لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ

«نه کسی را زاده و نه زاییده شده» (اخلاص/ 3).

وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفْواً أَحَدٌ»

«و او را همتایی نیست» (اخلاص/ 4).

إلهٌ واحِدٌ

خداوندِ یگانه است

وَرَبٌّ ماجِدٌ،

و پروردگارِ بزرگوار است.

یَشاءُ فَیُمْضی،

بخواهد، مسجل میشود

وَیُریدُ فَیَقْضی،

و اراده کند، انجام میشود

وَیَعْلَمُ فَیُحْصِی،

می‌داند و به شماره در می‌آورد

وَیُمیتُ وَیُحْیِی،

می‌میراند و زنده می‌گرداند

وَیُفْقِرُ وَیُغْنِی،

نیازمند می‌کند و بی نیاز میسازد

وَیُضْحِکُ وَیُبْکِی،

می‌خنداند و می‌گریاند

(وَیُدْنِی وَ یُقْصِی)

نزدیک می‌سازد و دور می‌کند

وَیَمْنَعُ وَ یُعْطِی،

و باز می‌دارد و عطا می‌کند.

«لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ»،

«او راست پادشاهی و ستایش» (تغابن/ 1).

بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ.

به دست توانای اوست تمام نیکی و هموست بر هر چیز توانا (اشاره: آل عمران/ 26).

«یُولِجُ الَّلیْلَ فِی النَّهارِ وَیُولِجُ النَّهارَ فی الَّلیْلِ»،

«شب را در روز و روز را در شب فرو بَرَد.» (فاطر/ 13)

«لاإِلٰهَ إِلّا هُوَ» «الْعَزیزُ الْغَفّارُ».

«معبودی جز او نیست» (آل عمران/6)؛ «گران‌مایه و آمرزنده است» (ص/ 66).

مُسْتَجیبُ الدُّعاءِ

اجابت‌کننده‌ی دعا است.

وَمُجْزِلُ الْعَطاءِ،

و بخشش‌اش فراوان است

مُحْصِی الْأَنْفاسِ

برشمارنده‌ی نفَس‌ها است

وَ رَبُّ الْجِنَّةِ وَالنّاسِ.

و پروردگارِ پری و انسان است.

الَّذی لایُشْکِلُ عَلَیْهِ شَیءٌ،

همو که چیزی بر او مشکل ننماید،

وَ لایُضجِرُهُ صُراخُ الْمُسْتَصْرِخینَ

و فریاد فریادکنندگان او را آزرده نکند

وَلایُبْرِمُهُ إِلْحاحُ الْمُلِحّینَ.

و اصرارِ اصرارکنندگان او را به ستوه نیاورد.

اَلْعاصِمُ لِلصّالِحینَ،

نگاهبان نیکوکاران است

وَالْمُوَفِّقُ لِلْمُفْلِحینَ،

یاور رستگاران است

وَ مَوْلَی الْمُؤْمِنینَ

صاحب اختیار مؤمنان است

وَرَبُّ الْعالَمینَ.

و پروردگار جهانیان است.

الَّذِی اسْتَحَقَّ مِنْ کُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ یَشْکُرَهُ وَیَحْمَدَهُ (عَلی کُلِّ حالٍ).

همو که در همه‌ی احوال سزاوار سپاس و ستایش آفریدگان است.

أَحْمَدُهُ کَثیراً

او را فراوان می‌ستایم

وَأَشْکُرُهُ دائماً عَلَی السَّرّاءِ والضَّرّاءِ وَالشِّدَّةِ وَالرَّخاءِ،

و همواره سپاسش می‌گویم؛ بر شادی و رنج و بر آسایش و سختی

وَأُومِنُ بِهِ و بِمَلائکَتِهِ وکُتُبِهِ وَرُسُلِهِ.

و به او و فرشتگانش و کتاب‌هایش و فرستاده‌هایش ایمان دارم.

أَسْمَعُ لِأَمْرِهِ وَاُطیعُ

گوش به فرمان و مطیعش هستم

وَأُبادِرُ إِلی کُلِّ ما یَرْضاهُ

و به هر آنچه خوشنودش سازد می‌شتابم

وَأَسْتَسْلِمُ لِما قَضاهُ،

در برابر حکمش تسلیمم

رَغْبَةً فی طاعَتِهِ

به فرمانبری‌اش مشتاقم

وَ خَوْفاً مِنْ عُقُوبَتِهِ،

و از کیفر او ترسانم.

لِأَنَّهُ اللهُ الَّذی لایُؤْمَنُ مَکْرُهُ

زیرا او «الله» است، همو که کسی از مکرش در امان نیست.

وَلایُخافُ جَورُهُ.

و کسی از بی‌عدالتیش نمی‌ترسد (زیرا او را ستمی نیست).

وَأُقِرُّ لَهُ عَلیٰ نَفْسی بِالْعُبُودِیَّةِ

به بندگی خودم در برابر او معترفم

وَ أَشْهَدُ لَهُ بِالرُّبُوبِیَّةِ.

و به پروردگاری‌اش گواهی می‌دهم.

وَأُؤَدِّی ما أَوْحَی بِهِ إِلَیَّ

آنچه به من وحی نموده انجام می‌دهم،

حَذَراً مِنْ أَنْ لا أَفْعَلَ فَتَحِلَّ بی مِنْهُ قارِعَةٌ لایَدْفَعُها عَنّی أَحَدٌ وَإِنْ عَظُمَتْ حیلَتُهُ وَصَفَتْ خُلَّتُهُ.

مبادا وظیفه ام را انجام ندهم تا مستحق عذابی از سوی او گردم که کسی را یارای دورساختن آن از من نباشد، هر چند توانش بسیار و دوستی‌اش (با من) خالص باشد.

## مأموریت مهم رسول خدا (ص)

لاإِلٰهَ إِلّا هُوَ؛

معبودی جز او نیست؛

لِأَنَّهُ قَدْ أَعْلَمَنی أَنِّی إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ ما أَنْزَلَ إِلَیَّ (فی حَقِّ عَلِیٍّ) فَما بَلَّغْتُ رِسالَتَهُ.

چرا که به من اعلام فرموده که اگر آنچه (درباره‌ی علی) بر من نازل کرده به مردم نرسانم، وظیفه رسالتش را انجام نداده‌ام.

وَقَدْ ضَمِنَ لی تَبارَکَ وَتَعالَی الْعِصْمَةَ (مِنَ النّاسِ)

و خداوند تبارک و تعالی امنیت از [آزار] مردم را برایم تضمین کرده

وَ هُوَ اللهُ الْکافِی الْکَریمُ.

و البته که او بسنده و بخشنده است.

فَأَوْحَی إِلَیَّ: بِسْمِ الله الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ، «یا أَیُهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ» - فی عَلِیٍّ یَعْنی فِی الْخِلاَفَةِ لِعَلِیِّ بْنِ أَبی طالِبٍ - «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَاللهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النّاسِ».

پس آنگاه خداوند چنین وحی‌ام فرستاد: به نام خداوند همه مهرِ مهرورز. «ای فرستاده‌ی ما! آن چه از سوی پروردگارت» درباره‌ی علی و خلافت او «بر تو فرود آمده بر مردم ابلاغ کن، وگرنه رسالت خداوندی را به انجام نرسانده‌ای؛ و او تو را از آسیب مردمان نگاه می‌دارد» (مائده/ 63).

مَعاشِرَ النّاسِ، ما قَصَّرْتُ فی تَبْلیغِ ما أَنْزَلَ اللهُ تَعالَی إِلَیَّ،

هان مردمان! هرگز در رساندن آنچه خدا بر من نازل کرده کوتاهی نکرده‌ام

وَ أَنَا أُبَیِّنُ لَکُمْ سَبَبَ هذِهِ الْآیَةِ.

اما سبب نزول این آیه را برایتان بیان می‌کنم.

إِنَّ جَبْرئیلَ هَبَطَ إِلَیَّ مِراراً ثَلاثاً

همانا جبرئیل سه مرتبه بر من فرود آمد

یَأْمُرُنی عَنِ السَّلامِ رَبّی - وَ هُو السَّلامُ –

از سوی پروردگارم، سلام - که تنها او سلام است - فرمان آورد

أَنْ أَقُومَ فی هذَا الْمَشْهَدِ

که در این مکان برخیزم

فَأُعْلِمَ کُلَّ أَبْیَضَ وَأَسْوَدَ:

و به هر سفید و سیاهی اعلام کنم:

أَنَّ عَلِی بْنَ أَبی طالِبٍ أَخی وَ وَصِیّی وَ خَلیفَتی (عَلی أُمَّتی)

که علی بن ابی طالب (ع) برادر، وصی و جانشین من در میان امّت است

وَالْإِمامُ مِنْ بَعْدی،

و امام پس از من است.

الَّذی مَحَلُّهُ مِنّی مَحَلُّ هارُونَ مِنْ مُوسی إِلّا أَنَّهُ لانَبِیَّ بَعْدی

همو که جایگاه او نسبت به من به‌سان هارون نسبت به موسی است، جز آن که پیامبری پس از من نخواهد بود.

وَ هُوَ وَلِیُّکُمْ بَعْدَ اللهِ وَ رَسُولِهِ.

او، صاحب اختیارتان پس از خدا و رسول او است.

وَقَدْ أَنْزَلَ اللهُ تَبارَکَ وَتَعالَی عَلَیَّ بِذٰلِکَ آیَةً مِنْ کِتابِهِ

و در این‌باره پروردگارم آیه‌ای از کتابش بر من نازل فرموده است.

(هِی): «إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذینَ آمَنُوا الَّذینَ یُقیمُونَ الصَّلاةَ وَیُؤْتونَ الزَّکاةَ وَ هُمْ راکِعُونَ»

آن آیه چنین است: «همانا ولی، صاحب اختیار و سرپرست شما، خدا و پیامبر او و مومنانی هستند که نماز به پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند» (مائده/ 55).

وَ عَلِیُّ بْنُ أَبی طالِبٍ الَّذی أَقامَ الصَّلاةَ وَ آتَی الزَّکاةَ وَهُوَ راکِعٌ

و هر آینه علی بن ابی طالب (ع) کسی است که نماز به پا داشته و در رکوع زکات پرداخته است

یُریدُ اللهَ عَزَّوَجَلَّ فی کُلِّ حالٍ.

او در همه حال خدای عزوجل را می‌خواهد

وَسَأَلْتُ جَبْرَئیلَ أَنْ یَسْتَعْفِیَ لِی (السَّلامَ) عَنْ تَبْلیغِ ذٰلِکَ إِلیْکُمْ، أَیُّهَا النّاسُ!

و ای مردم! من از جبرئیل خواستم که از خداوند سلام اجازه کند و مرا از این مأموریت معاف فرماید.

لِعِلْمِی بِقِلَّةِ الْمُتَّقینَ وَکَثْرَةِ الْمُنافِقینَ

زیرا کمیِ پرهیزگاران و فزونیِ منافقان را میدانستم

وَإِدغالِ اللّائمینَ وَ حِیَلِ الْمُسْتَهْزِئینَ بِالْإِسْلامِ،

و از دسیسه‌ی ملامت‌گران و مکر مسخره‌کنندگان اسلام مطلع بودم

الَّذینَ وَصَفَهُمُ اللهُ فی کِتابِهِ

همان منافقانی که خداوند در کتاب خود توصیفشان فرموده

بِأَنَّهُمْ «یَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ ما لَیْسَ فی قُلوبِهِمْ»، وَیَحْسَبُونَهُ «هَیِّناً وَهُوَ عِنْدَ اللهِ عَظیمٌ»

بدین صورت که: «به زبان آن را می‌گویند که در دل‌هایشان نیست» (فتح/ 11) و «آن را اندک و آسان می‌شمارند، حال آن که نزد خداوند بس بزرگ است» (نور/ 15).

وَکَثْرَةِ أَذاهُمْ لی غَیْرَ مَرَّةٍ حَتّی سَمَّونی أُذُناً

همچنین به دلیل آزارهای فراوان و متعددشان تا بدانجا که مرا گوش [سخن‌شنو و زودباور] نامیدند

وَ زَعَمُوا أَنِّی کَذٰلِکَ لِکَثْرَةِ مُلازَمَتِهِ إِیّای وَ إِقْبالی عَلَیْهِ (وَ هَواهُ وَ قَبُولِهِ مِنِّی).

به‌خاطر همراهی بسیار علی با من و رویکرد من به او و تمایل و پذیرش او از من گمان کردند حقیقتا چنین هستم.

حَتّی أَنْزَلَ الله عَزَّوَجَلَّ فی ذٰلِکَ «وَ مِنْهُمُ الَّذینَ یُؤْذونَ النَّبِی وَ یَقولونَ هُوَ أُذُنٌ، قُلْ أُذُنُ» - عَلَی الَّذینَ یَزْعُمونَ أَنَّهُ أُذُنٌ - «خَیْرٍ لَکُمْ، یُؤْمِنُ بِالله وَ یُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنینَ وَ رَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكمُ‏ْ وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيم»

تا آن که خداوند در این باره نازل فرمود: «و برخی از آنان، کسانی‌اند که پیامبر خدا را می‌آزارند و می‌گویند: او سخن‌شنو و زودباور است. بگو: اگر پیامبر (ص) سخن شنو است – به گمان آنان که خیال می‌کنند او چنین است - لیکن به خیر شماست، او به خدا ایمان دارد و مؤمنان را تصدیق می‌کند و راستگو می‌انگارد و براى كسانى از شما كه ايمان آورده‏اند، رحمت است، و براى آنان كه همواره پيامبر خدا را آزار مى‏دهند، عذابى دردناك است » (توبه/ 61).

وَلَوْشِئْتُ أَنْ أُسَمِّیَ الْقائلینَ بِذٰلِکَ بِأَسْمائهِمْ لَسَمَّیْتُ

و اگر می‌خواستم نامِ گویندگان چنین سخنی را به زبان می‌آوردم

وَأَنْ أُوْمِئَ إِلَیْهِمْ بِأَعْیانِهِمْ لَأَوْمَأْتُ

اگر میخواستم به شخص خودشان اشاره کنم، چنین می‌کردم

وَأَنْ أَدُلَّ عَلَیْهِمُ لَدَلَلْتُ،

و اگر میخواستم بر آنان راهنمایی کنم، انجام می‌دادم.

وَلکِنِّی وَاللهِ فی أُمورِهمْ قَدْ تَکَرَّمْتُ.

اما سوگند به خدا در کارشان کریمانه، لب فروبستم.

وَکُلُّ ذٰلِکَ لایَرْضَی اللهُ مِنّی إِلّا أَنْ أُبَلِّغَ ما أَنْزَلَ اللهُ إِلَیَّ (فی حَقِّ عَلِیٍّ).

با این حال خداوند از من خشنود نخواهد گشت، مگر آن که آنچه در حق علی (ع) فرو فرستاده به گوش شما برسانم.

ثُمَّ تَلا: «یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ» - فی حَقِّ عَلِیٍّ - «وَ انْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَاللهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النّاسِ».

سپس پیامبر (ص) چنین خواند: «ای پیامبر ما! آن چه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده - در حقّ علی - ابلاغ کن؛ وگرنه کار رسالتش را انجام نداده‌ای و البته خداوند تو را از آسیب مردمان نگاه می‌دارد» (مائده/ 67).

## امامت علی (ع) و اهل بیت (ع)

فَاعْلَمُوا مَعاشِرَ النّاسِ ذٰلِکَ فیهِ وَافْهَموهُ.

هان مردمان! بدانید و بفهمید که این آیه درباره‌ی اوست.

وَاعْلَمُوا أَنَّ اللهَ قَدْ نَصَبَهُ لَکُمْ وَلِیّاً وَإِماماً،

و بدانید که خداوند او را برایتان صاحب اختیار و امام قرار داده است.

فَرَضَ طاعَتَهُ عَلَی الْمُهاجِرینَ وَالْأَنْصارِ وَ عَلَی التّابِعینَ لَهُمْ بِإِحْسانٍ،

پیروی علی (ع) را بر مهاجران و انصار و آنان که به نیکی از ایشان پیروی می‌کنند واجب نموده

وَ عَلَی الْبادی وَالْحاضِرِ، وَ عَلَی الْعَجَمِیِّ وَالْعَرَبیِّ،

و بر روستائی و شهرنشین و بر عجم و عرب

وَالْحُرِّ وَالْمَمْلوکِ وَالصَّغیرِ وَالْکَبیرِ،

و بر آزاد و برده و بر کوچک و بزرگ

وَ عَلَی الْأَبْیَضِ وَالأَسْوَدِ، وَ عَلی کُلِّ مُوَحِّدٍ.

و بر سفید و سیاه و بر تمام یکتاپرستان (پیروی از علی (ع) لازم است)

ماضٍ حُکْمُهُ،

حکمش قطعی است

جازٍ قَوْلُهُ،

سخنش کافی است

نافِذٌ أَمْرُهُ،

دستورش نافذ و لازم الاجراء است

مَلْعونٌ مَنْ خالَفَهُ،

مخالفش از رحمت حق دور است

مَرْحومٌ مَنْ تَبِعَهُ وَ صَدَّقَهُ،

و پیرو و تأیید کننده‌اش، مشمول رحمت الهی است.

فَقَدْ غَفَرَ اللهُ لَهُ وَلِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَ أَطاعَ لَهُ.

خداوند علی (ع) و آنان که گوش به فرمان و مطیع او هستند را آمرزیده است.

مَعاشِرَ النّاسِ، إِنَّهُ آخِرُ مَقامٍ أَقُومُهُ فی هذا الْمَشْهَدِ،

هان مردمان! این آخرین باری است که در این مکان می‌ایستم (و به زودی به جوار رحمت الهی می‌شتابم).

فَاسْمَعوا وَ أَطیعوا وَانْقادوا لِأَمْرِ(الله) رَبِّکُمْ،

پس گوش کنید و اطاعت کنید و به فرمان حق گردن نهید.

فَإِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ هُوَ مَوْلاکُمْ وَإِلٰهُکُمْ،

خداوند عزّوجلّ صاحب اختیار و معبود شماست؛

ثُمَّ مِنْ دونِهِ رَسولُهُ وَنَبِیُهُ الْمُخاطِبُ لَکُمْ،

پس از خداوند، ولی شما فرستاده و پیامبر اوست که اکنون با شما سخن می‌گوید.

ثُمَّ مِنْ بَعْدی عَلیٌّ وَلِیُّکُمْ وَ إِمامُکُمْ بِأَمْرِ اللهِ رَبِّکُمْ،

و پس از من، به فرمان پروردگار، علی (ع) صاحب اختیار و امام شماست.

ثُمَّ الْإِمامَةُ فی ذُرِّیَّتی مِنْ وُلْدِهِ

سپس امامت در فرزندان من از نسل علی (ع) خواهد بود.

إِلی یَوْمٍ تَلْقَوْنَ اللهَ وَرَسولَهُ.

این قانون تا روزی که خدا و رسول او را ملاقات می‌کنید (قیامت) دوام دارد.

لاحَلالَ إِلّا ما أَحَلَّهُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَهُمْ،

روا نیست، مگر آن چه خدا و رسولش و امامان روا دانند؛

وَلاحَرامَ إِلّا ما حَرَّمَهُ اللهُ (عَلَیْکُمْ) وَ رَسُولُهُ وَ هُمْ،

و ناروا نیست مگر آن چه خدا و رسولش و امامان ناروا دانند.

وَاللهُ عَزَّوَجَلَّ عَرَّفَنِیَ الْحَلالَ وَالْحَرامَ

خداوند عزوجل، روا و ناروا را به من شناسانده

وَأَنَا أَفْضَیْتُ بِما عَلَّمَنی رَبِّی مِنْ کِتابِهِ وَحَلالِهِ وَ حَرامِهِ إِلَیْهِ.

و من آنچه پروردگارم از کتابش و حلال و حرامش به من آموخته، در اختیار علی (ع) نهادم.

مَعاشِرَ النّاسِ، فَضِّلُوهُ.

مامِنْ عِلْمٍ إِلّا وَقَدْ أَحْصاهُ اللهُ فِیَّ،

وَ کُلُّ عِلْمٍ عُلِّمْتُ فَقَدْ أَحْصَیْتُهُ فی إِمامِ الْمُتَّقینَ،

هان مردمان! او را برتر بدانید.

هیچ دانشی نیست مگر اینکه خداوند آن را در من قرار داده

و هر دانشی که به من آموخته شده را در جان پیشوای پرهیزکاران، علی (ع)، قرار دادم.

وَما مِنْ عِلْمٍ إِلّا وَقَدْ عَلَّمْتُهُ عَلِیّاً،

هیچ دانشی نیست، مگر آن که آن را به علی (ع) آموختم.

وَ هُوَ الْإِمامُ الْمُبینُ الَّذی ذَکَرَهُ الله فی سُورَةِ یس: «وَ کُلَّ شَیءٍ أَحْصَیْناهُ فی إِمامٍ مُبینٍ».

او همان پیشوای روشنگری است که خداوند او را در سوره‌ی «یس» یاد کرده: «و دانش هر چیز را در امام روشنگر برشمرده‌ایم» (یس/ 12).

مَعاشِرَالنَّاسِ، لاتَضِلُّوا عَنْهُ وَلاتَنْفِرُوا مِنْهُ،

هان مردمان! از علی (ع) (به سوى دیگرى) گمراه نشوید و از او دور نشوید.

وَلاتَسْتَنْکِفُوا عَنْ وِلایَتِهِ،

و از سرپرستی‌اش رو برنگردانید.

فَهُوَ الَّذی «یَهدی إِلَی الْحَقِّ» وَیَعْمَلُ بِهِ،

علی (ع) است که «به سوی حق هدایت می‌کند» (یونس/ 35) و به آن عمل می‌کند.

وَیُزْهِقُ الْباطِلَ وَیَنْهی عَنْهُ،

و باطل را نابود می‌کند و از آن باز می‌دارد.

وَلاتَأْخُذُهُ فِی الله لَوْمَةُ لائِمٍ.

و در راه خدا نکوهش هیچ ملامتگری او را از حق باز نمی‌دارد (اشاره به مائده/54).

أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللهِ وَ رَسُولِهِ

او نخستین مؤمن به خدا و رسول اوست

(لَمْ یَسْبِقْهُ إِلَی الْایمانِ بی أَحَدٌ)،

کسی در ایمان به من، از او سبقت نگرفته

وَالَّذی فَدَی رَسُولَ الله بِنَفْسِهِ،

اوست که جان خود را فدای رسول الله(ص) نمود

وَالَّذی کانَ مَعَ رَسُولِ الله وَلا أَحَدَ یَعْبُدُالله مَعَ رَسُولِهِ مِنَ الرِّجالِ غَیْرُهُ.

همو که همراه رسول خدا بوده در هنگامی که هیچ مردی غیر از او همراه با رسول خدا (ص)، خدا را عبادت نمی‌کرد.

أَوَّلُ النّاسِ صَلاةً

او اولین نمازگزار است

وَ أَوَّلُ مَنْ عَبَدَ اللهَ مَعی.

و نخستین کسی است که همراه من خدا را پرستش نموده

أَمَرْتُهُ عَنِ اللهِ أَنْ یَنامَ فی مَضْجَعی، فَفَعَلَ فادِیاً لی بِنَفْسِهِ.

از طرف خدا، به او فرمان دادم تا در بستر من بخوابد و او در حالی که جان خود را کف دست گرفته بود، به دستورم عمل نمود.

مَعاشِرَ النّاسِ، فَضِّلُوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللهُ،

هان مردمان! او را برتر دانید، که خداوند او را برگزیده؛

وَاقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللهُ.

و او را بپذیرید، که خداوند او را منصوب نموده.

مَعاشِرَ النّاسِ، إِنَّهُ إِمامٌ مِنَ الله،

هان مردمان! او امامی از سوی خدا است

وَلَنْ یَتُوبَ الله عَلی أَحَدٍ أَنْکَرَ وِلایَتَهُ وَلَنْ یَغْفِرَ لَهُ.

و هرگز خداوند توبه‌ی منکر ولایتش را نپذیرد و هرگز او را نیامرزد.

حَتْماً عَلَی اللهِ أَنْ یَفْعَلَ ذٰلِکَ بِمَنْ خالَفَ أَمْرَهُ

این است رفتار قطعی خداوند با مخالفان علی (ع)

وَأَنْ یُعَذِّبَهُ عَذاباً نُکْراً أَبَدَا الْآبادِ وَ دَهْرَ الدُّهورِ.

و هرآینه خداوند او را به عذاب دردناک پایدار مستمر کیفر کند.

فَاحْذَرُوا أَنْ تُخالِفوهُ،

از مخالفت او بهراسید

فَتَصْلُوا «ناراً وَقودُهَا النَّاسُ وَالْحِجارَةُ أُعِدَّتْ لِلْکافِرینَ»

و گرنه «در آتشی درخواهید شد که آتش گیری آن مردمانند؛ و سنگ، که برای حق ستیزان آماده شده است» (بقره/ 24).

مَعاشِرَ النّاسِ، بی - وَاللهِ – بَشَّرَ الْأَوَّلُونَ مِنَ النَّبِیِّینَ وَالْمُرْسَلینَ،

هان مردمان! به خدا سوگند که پیامبران پیشین به ظهورم مژده داده‌اند،

وَأَنَا - (وَاللهِ) - خاتَمُ الْأَنْبِیاءِ وَالْمُرْسَلینَ والْحُجَّةُ عَلی جَمیعِ الْمَخْلوقینَ مِنْ أَهْلِ السَّماواتِ وَالْأَرَضینَ.

و اکنون من آخرین پیامبر و فرستاده ام و برهان روشنی بر همه آفریدگان از اهالی آسمانی و زمینم.

فَمَنْ شَکَّ فی ذٰلِکَ فَقَدْ کَفَرَ کُفْرَ الْجاهِلِیَّةِ الْأُولی

آن کس که در درستی این تردید کند، به کفر جاهلیت نخستین درآمده است

وَ مَنْ شَکَّ فی شَیءٍ مِنْ قَوْلی هذا، فَقَدْ شَکَّ فی کُلِّ ما أُنْزِلَ إِلَیَّ.

و تردید در سخنان امروزم همسنگ تردید در تمامی محتوای رسالت من است.

وَمَنْ شَکَّ فی واحِدٍ مِنَ الْأَئمَّةِ فَقَدْ شَکَّ فِی الْکُلِّ مِنْهُمْ،

و شک در امامت یکی از امامان، به‌سان شک در تمامی آنان است.

وَالشَاکُّ فینا فِی النّارِ.

و هرآینه جایگاه تردیدکنندگان در مورد ما، آتش دوزخ خواهد بود.

مَعاشِرَ النّاسِ، حَبانِیَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ بِهذِهِ الْفَضیلَةِ مَنّاً مِنْهُ عَلَیَّ وَ إِحْساناً مِنْهُ إِلَیَّ

هان مردمان! خداوند عزّوجلّ از روی منّت و احسان خویش این برتری را به من پیشکش کرد

وَ «لا إِلٰهَ إِلّاهُوَ لَهُ الْحَمْدُ» مِنِّی أَبَدَ الْآبِدینَ وَدَهْرَ الدّاهِرینَ وَ عَلَی کُلِّ حالٍ.

و «البته که خدایی جز او نیست و تمامی ستایش‌ها ویژه‌ی اوست (قصص/ 70)؛ در همه روزگاران و در هر حال و مقام.

مَعاشِرَ النّاسِ، فَضِّلُوا عَلِیّاً

هان مردمان! علی (ع) را برتر دانید

فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدی مِنْ ذَکَرٍ و أُنْثی ما أَنْزَلَ الله الرِّزْقَ وَبَقِیَ الْخَلْقُ.

علی (ع) پس از من، برترین مردم از مرد و زن است؛ تا آن هنگام که خدا روزی می‌فرستد و آفریدگان پایدارند.

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَی قَوْلی هذا وَلَمْ یُوافِقْهُ.

دورباد دورباد از درگاه مهر خداوند و خشم باد خشم باد بر آن که این گفته‌ام را نپذیرد و با او سازگار نباشد!

أَلا إِنَّ جَبْرئیلَ خَبَّرنی عَنِ اللهِ تَعالَی بِذٰلِکَ

هان! بدانید جبرئیل از سوی خداوند تعالی این خبر را آورد

وَیَقُولُ: مَنْ عادَی عَلِیّاً وَلَمْ یَتَوَلَّهُ فَعَلَیْهِ لَعْنَتی وَ غَضَبی،

و می‌گوید: هر آن که با علی ستیزد و بر ولایت او گردن نگذارد، نفرین و خشم من (خداوند متعال) بر او باد!

«وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ ما قَدَّمَتْ لِغَدٍ»

«البته بایست که هر کس بنگرد که برای فردای رستاخیز خود چه پیش فرستاده» (حشر/ 18).

وَاتَّقُو اللهَ - أَنْ تُخالِفُوهُ

[هان!] تقوا پیشه کنید و از ناسازگاری با علی (ع) بپرهیزید.

«فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِها»

«مباد که گام‌هایتان پس از استواری درلغزد» (نحل/ 94).

«إِنَّ الله خَبیرٌ بِما تَعْمَلُونَ».

«که خداوند بر کردارتان آگاه است» (حشر/ 18).

مَعاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ جَنْبُ الله الَّذی ذَکَرَ فی کِتابِهِ العَزیزِ،

هان مردمان! علی (ع) همان هم‌جوار و همسایه خداوند است که در کتاب عزیز خود او را یاد کرده

فَقالَ تعالی مُخْبِراً عَمَّنْ یُخالِفُهُ: «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ یا حَسْرَتا عَلی ما فَرَّطْتُ فی جَنْبِ الله».

خداوند درباره‌ی مخالفان او فرموده: «مبادا کسی در روز رستاخیز بگوید: افسوس که درباره‌ی هم‌جوار و همسایه‌ی خدا کوتاهی کردم» (زمر/ 56).

مَعاشِرَ النّاسِ، تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَافْهَمُوا آیاتِهِ

هان مردمان! در قرآن اندیشه کنید و ژرفی آیات آن را دریابید

وَانْظُرُوا إِلیٰ مُحْکَماتِهِ وَلاتَتَّبِعُوا مُتَشابِهَهُ،

بر محکمات قرآن نظر کنید و از متشابهاتش پیروی ننمایید.

فَوَ اللهِ لَنْ یُبَیِّنَ لَکُمْ زواجِرَهُ وَلَنْ یُوضِحَ لَکُمْ تَفْسیرَهُ

پس به خدا سوگند کسی باطن و تفسیر قرآن را برایتان آشکار نمی‌کند

إِلَّا الَّذی أَنَا آخِذٌ بِیَدِهِ وَمُصْعِدُهُ إِلَیَّ وَشائلٌ بِعَضُدِهِ (وَ رافِعُهُ بِیَدَیَّ)

مگر همین کسی که دست او را گرفته و بالا آورده‌ام و بازویش را بلند کردم و با دستانم بالا آوردم.

وَ مُعْلِمُکُمْ: أَنَّ مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَهذا عَلِیٌّ مَوْلاهُ،

و اعلام می‌دارم که: هر آن که من سرپرست اویم، این علی سرپرست اوست.

وَ هُوَ عَلِیُّ بْنُ أَبی طالِبٍ أَخی وَ وَصِیّی،

و او علی بن ابی طالب (ع) است؛ برادر و وصی من

وَ مُوالاتُهُ مِنَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ، أَنْزَلَها عَلَیَّ.

و سرپرستی و ولایت او حکمی است از سوی خدا که بر من فرستاده شده است.

مَعاشِرَ النّاسِ، إِنَّ عَلِیّاً وَالطَّیِّبینَ مِنْ وُلْدی (مِنْ صُلْبِهِ) هُمُ الثِّقْلُ الْأَصْغَرُ،

هان مردمان! همانا علی (ع) و فرزندان پاکم از نسل او، یادگار گران‌سنگ کوچک‌ترند

وَالْقُرْآنُ الثِّقْلُ الْأَکْبَرُ،

و قرآن یادگار گران‌سنگ بزرگ‌تر.

فَکُلُّ واحِدٍ مِنْهُما مُنْبِئٌ عَنْ صاحِبِهِ وَ مُوافِقٌ لَهُ،

هر یک از این دو (قرآن و اهل بیت) از دیگری خبر می‌دهد و با آن سازگار است.

لَنْ یَفْتَرِقا حَتّی یَرِدا عَلَیَّ الْحَوْضَ.

آن دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.

أَلا إِنَّهُمْ أُمَناءُ اللهِ فی خَلْقِهِ وَ حُکّامُهُ فی أَرْضِهِ.

هان! بدانید که آنان امانتداران خداوند در میان آفریدگان و حاکمان او در زمین اویند.

أَلا وَقَدْ أَدَّیْتُ،

هشدار که من وظیفه‌ی خود را ادا کردم.

أَلا وَقَدْ بَلَّغْتُ،

هشدار که من آن چه بر عهده‌ام بود ابلاغ کردم

أَلا وَقَدْ أَسْمَعْتُ،

هشدار که به گوشتان رساندم

أَلا وَقَدْ أَوْضَحْتُ،

هشدار که روشن نمودم.

## معرفی امیرالمومنین (ع)

أَلا وَ إِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ قالَ وَ أَنَا قُلْتُ عَنِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ،

بدانید که این سخن خدا بود و من از سوی او سخن گفتم.

أَلا إِنَّهُ لا «أَمیرَالْمُؤْمِنینَ» غَیْرَ أَخی هذا،

هشدار که هرگز به‌جز این برادرم، کسی نباید امیرالمؤمنین خوانده شود.

أَلا لاتَحِلُّ إِمْرَةُ الْمُؤْمِنینَ بَعْدی لِأَحَدٍ غَیْرِهِ.

هشدار که پس از من امارت مؤمنان برای کسی جز او روا نباشد.

ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَى عَضُدِهِ فَرَفَعَهُ‏.

آن گاه رسول خدا (ص) دست به بازوی علی (ع) زد و آن را بلند کرد.

ثم قال: «ایُّها النَّاسُ، مَنْ اَوْلی بِکُمْ مِنْ اَنْفُسِکُمْ؟

سپس فرمود: مردمان! کیست سزاوارتر از شما به شما؟

قالوا: اللهُ و رَسُولُهُ.

گفتند خداوند و پیامبر او!

فَقالَ: اَلا مَن کُنْتُ مَوْلاهُ فَهذا عَلیٌّ مَوْلاهُ،

سپس فرمود: آگاه باشید! آن که من سرپرست اویم، پس این علی سرپرست اوست!

اللهمَّ والِ مَنْ والاهُ

خداوندا دوست بدار آن را که سرپرستی او را بپذیرد.

و عادِ مَنْ عاداهُ

و دشمن بدار هر آن که او را دشمن دارد.

وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ

و یاری کن یار او را.

واخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ.

و تنها گذار آن را که او را تنها گذارد.

مَعاشِرَ النّاسِ، هذا عَلِیٌّ أخی وَ وَصیّی وَ واعِی عِلْمی،

هان مردمان! این علی است، برادر و وصی و نگاهبان دانش من.

وَ خَلیفَتی فی اُمَّتی عَلیٰ مَنْ آمَنَ بی وَعَلیٰ تَفْسیرِ کِتابِ الله عَزَّوَجَلَّ

و هموست جانشین من در امّتم بر گروندگان به من و مطابق تفسیر کتاب خداوند عزوجل.

وَالدّاعی إِلَیْهِ وَالْعامِلُ بِما یَرْضاهُ

او به سوی خدا می‌خواند و به آنچه موجب خشنودی اوست عمل می‌کند

وَالْمُحارِبُ لِأَعْدائِهِ

با دشمنان خدا می‌ستیزد

وَالْمُوالی عَلیٰ طاعَتِهِ

و با فرمانبرداران خدا دوستی می‌کند

وَالنّاهی عَنْ مَعْصِیَتِهِ.

و از نافرمانی خدا باز‌ می‌دارد.

إِنَّهُ خَلیفَةُ رَسُولِ الله وَ أَمیرُالْمُؤْمِنینَ وَالْإمامُ الْهادی مِنَ اللهِ،

همانا اوست جانشین رسول الله و فرمانروای مومنان و پیشوای هدایتگر از سوی خدا

وَ قاتِلُ النّاکِثینَ وَالْقاسِطینَ وَالْمارِقینَ بِأَمْرِ اللهِ.

او به فرمان خدا با پیمان‌شکنان، رویگردانان از راه راست و بیرون‌رفتگان از دین پیکار کند.

یَقُولُ اللهُ: «مایُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَیَّ».

خداوند می‌فرماید: «فرمان من دگرگون نخواهد شد» (ق/ 29).

بِأَمْرِکَ یارَبِّ أَقولُ:

پروردگارا! اکنون به فرمان تو چنین می‌گویم:

اَلَّلهُمَّ والِ مَنْ والاهُ

خداوندا! دوستداران او را دوست دار

وَعادِ مَنْ عاداهُ

و دشمنان او را دشمن دار

وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ

یارانش را یاری نما

وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ

خودداری کنندگان از یاری‌اش را به خود رها کن

وَالْعَنْ مَنْ أَنْکَرَهُ

هر که او را انکار کند، از مهرت بران

وَاغْضِبْ عَلی مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ.

و بر کسی که حق او را منکر شود، خشم خود را فرود آور.

اللهمَّ إِنَّکَ أَنْزَلْتَ الْآیَةَ فی عَلِیٍّ وَلِیِّکَ

معبودا! تو خود این آیه را در حق علی (ع) نازل فرمودی

عِنْدَ تَبْیینِ ذٰلِکَ وَنَصْبِکَ إِیّاهُ لِهذَا الْیَوْمِ:

در هنگام بیان ولایتش و منصوب نمودنش در این روز

«الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دینَکُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتی وَ رَضیتُ لَکُمُ الْإِسْلامَ دیناً»،

(و آن آیه این است:) «امروز آیین شما را به کمال، و نعمت خود را بر شما به اتمام رساندم، و اسلام را به عنوان دین شما پسندیدم.» (مائده/3)

«وَ مَنْ یَبْتَغِ غَیْرَ الْإِسْلامِ دیناً فَلَنْ یُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِی الْآخِرَةِ مِنَ الْخاسِرینَ».

«و آن که به جز اسلام دینی را بجوید، از او پذیرفته نبوده، در جهان دیگر در شمار زیانکاران خواهد بود.» (آل عمران/ 85)

اللهمَّ إِنِّی أُشْهِدُکَ أَنِّی قَدْ بَلَّغْتُ.

خداوندا، تو را گواه می‌گیرم که پیام تو را به مردمان رساندم.

## اهمیت مسئله امامت

مَعاشِرَ النّاسِ، إِنَّما أَکْمَلَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ دینَکُمْ بِإِمامَتِهِ.

هان مردمان! خداوند عزّوجلّ دین را با امامت علی (ع) تکمیل فرمود.

فَمَنْ لَمْ یَأْتَمَّ بِهِ

پس هر که به علی (ع) اقتدا نکند،

وَبِمَنْ یَقُومُ مَقامَهُ مِنْ وُلْدی مِنْ صُلْبِهِ

و از جانشینانش که فرزندان من و از نسل علی (ع) هستند (پیروی نکند)،

إِلیٰ یَوْمِ الْقِیامَةِ وَالْعَرْضِ عَلَی اللهِ عَزَّوَجَلَّ

تا برپایی رستاخیز و هنگام عرضه‌ی بر خدا،

«فَأُولئِکَ الَّذینَ حَبِطَتْ أَعْمالُهُمْ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ»

«پس آنان کسانی‌اند که اعمالشان در دو جهان تباه است» (آل عمران/ 22)،

«وَ فِی النّارِ هُمْ خالِدُونَ»

«و در آتش دوزخ ابدی خواهند بود» (توبه/ 17)،

«لایُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذابُ وَلاهُمْ یُنْظَرونَ».

«نه از عذابشان کاسته و نه برایشان فرصتی خواهد بود» (بقره/ 162).

مَعاشِرَ النّاسِ، هذا عَلِیٌّ؛

هان مردمان! این علی است؛

أَنْصَرُکُمْ لی وَأَحَقُّکُمْ بی

یاورترین و سزاوارترینتان به من

وَأَقْرَبُکُمْ إِلَیَّ وَأَعَزُّکُمْ عَلَیَّ،

و نزدیک ترین و عزیزترین شما نسبت به من

وَاللهُ عَزَّوَجَلَّ وَأَنَا عَنْهُ راضِیانِ.

و خداوند عزّوجلّ و من از او خشنودیم.

وَ مانَزَلَتْ آیَةُ رِضاً (فی الْقُرْآنِ) إِلّا فیهِ،

آیه رضایتی در قرآن نیست مگر این که درباره‌ی علی (ع) است.

وَلا خاطَبَ اللهُ الَّذینَ آمَنُوا إِلّا بَدَأَ بِهِ،

و خدا مومنان را مورد خطاب قرار نداده مگر این که به او آغاز کرده [و او اولین شخص مورد نظر خدای متعال بوده است]

وَلانَزَلَتْ آیَةُ مَدْحٍ فِی الْقُرْآنِ إِلّا فیهِ،

و آیه‌ی ستایشی در قرآن نازل نگشته مگر درباره‌ی او.

وَلا شَهِدَ اللهُ بِالْجَنَّةِ فی «هَلْ أَتی عَلَی الْاِنْسانِ» إِلّا لَهُ،

و خداوند در سوره‌ی «هل أتی علی الإنسان» گواهی بر بهشت [رفتن] نداده مگر برای او،

وَلا أَنْزَلَها فی سِواهُ وَلامَدَحَ بِها غَیْرَهُ.

و آن را در حق غیر او نازل نکرده و به آن سوره جز او را نستوده است.

مَعاشِرَ النّاسِ، هُوَ ناصِرُ دینِ الله

هان مردمان! او یاور دین خدا است

وَالْمُجادِلُ عَنْ رَسُولِ اللهِ،

و دفاع کننده‌ی از رسول اوست.

وَ هُوَ التَّقِیُّ النَّقِیُّ الْهادِی الْمَهْدِیِّ.

او پرهیزکار پاکیزه و رهنمای ارشاد شده [به دست خود خدا] است.

نَبِیُّکُمْ خَیْرُ نَبیٍّ

پیامبرتان برترین پیامبران است،

وَ وَصِیُّکُمْ خَیْرُ وَصِیٍّ (وَبَنُوهُ خَیْرُ الْأَوْصِیاءِ).

وصیّ او برترین وصی و فرزندان او برترین اوصیایند.

مَعاشِرَ النّاسِ، ذُرِّیَّةُ کُلِّ نَبِیٍّ مِنْ صُلْبِهِ،

هان مردمان! فرزندان هرپیامبر از نسل اویند

وَ ذُرِّیَّتی مِنْ صُلْبِ (أَمیرِالْمُؤْمِنینَ) عَلِیٍّ.

و فرزندان من از نسل امیرالمؤمنین علی (ع) هستند.

## خطر انحراف از مسیر

مَعاشِرَ النّاسِ، إِنَّ إِبْلیسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ،

هان مردمان! به راستی که شیطانِ اغواگر، آدم را با رشک از بهشت راند،

فَلاتَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمالُکُمْ وَتَزِلَّ أَقْدامُکُمْ،

بنابراین، مبادا به علی (ع) رشک ورزید که کرده‌هایتان نابود و گام‌هایتان لغزان خواهدشد.

فَإِنَّ آدَمَ أُهْبِطَ إِلَی الْأَرضِ بِخَطیئَةٍ واحِدَةٍ، وَهُوَ صَفْوَةُ اللهِ عَزَّوَجَلَّ،

آدم (ع) به خاطر یک اشتباه به زمین هبوط کرد و حال آن که برگزیده‌ی خدای عزّوجلّ بود.

وَکَیْفَ بِکُمْ وَأَنْتُمْ أَنْتُمْ وَ مِنْکُمْ أَعْداءُ اللهِ،

پس حال شما چگونه خواهد بود که شما شمایید و برخی از شما، دشمنان خدایند؟

أَلا وَ إِنَّهُ لایُبْغِضُ عَلِیّاً إِلّا شَقِیٌّ،

آگاه باشید! که با علی (ع) نمی‌ستیزد مگر بی سعادت

وَ لایُوالِی عَلِیّاً إِلَّا تَقِیٌّ،

و سرپرستی او را نمی‌پذیرد مگر رستگار پرهیزگار

وَ لایُؤْمِنُ بِهِ إِلّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ.

و به او نمی‌گرود مگر ایمان‌دار بی‌آلایش.

وَ فی عَلِیٍّ - وَاللهِ - نَزَلَتْ سُورَةُ الْعَصْر:

و سوگند به خدا که سوره‌ی عصر درباره‌ی اوست:

«بِسْمِ الله الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ \* وَالْعَصْرِ \* إِنَّ الْإِنْسانَ لَفی خُسْرٍ»

«به نام خداوند همه مهر مهر ورز \* قسم به زمان \* که انسان در زیان است.» (عصر/ 1-2)

إِلّا عَلیّاً الّذی آمَنَ وَ رَضِی بِالْحَقِّ وَالصَّبْرِ.

مگر علی (ع) که ایمان آورده و به درستی و شکیبایی آراسته است (اشاره به عصر/ 3).

مَعاشِرَ النّاسِ، قَدِ اسْتَشْهَدْتُ اللهَ وَبَلَّغْتُکُمْ رِسالَتی

هان مردمان! خدا را گواه گرفتم و پیام او را به شما رسانیدم.

«وَ ما عَلَی الرَّسُولِ إِلَّاالْبَلاغُ الْمُبینُ».

«و بر عهده‌ی رسول، وظیفه‌ای جز بیان و ابلاغ روشن نباشد!» (نور/ 54).

مَعاشِرَ النّاسِ، «إتَّقُو اللهَ حَقَّ تُقاتِهِ وَلاتَموتُنَّ إِلّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ».

هان مردمان! «تقوا پیشه کنید همان گونه که بایسته است و نمیرید جز با شرفِ اسلام» (آل عمران/ 102)

## کارشکنی‌های منافقین

مَعاشِرَ النّاسِ، «آمِنُوا بِالله وَ رَسُولِهِ وَالنَّورِ الَّذی أُنْزِلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهاً فَنَرُدَّها عَلی أَدْبارِها أَوْ نَلْعَنَهُمْ کَما لَعَنَّا أَصْحابَ السَّبْتِ».

هان مردمان! «به خدا و رسولش و نور همراهش ایمان آورید، پیش از آن که چهره‌ها را تباه و باژگونه کنیم یا چونان اصحاب روز شنبه [یهودیانی که بر خدا نیرنگ آوردند] رانده شوید» (نساء/ 47).

بِاللهِ ما عَنَیٰ بِهذِهِ الْآیَةِ إِلّا قَوْماً مِنْ أَصْحابی

به خدا سوگند که مقصود خداوند از این آیه گروهی از صحابه من است.

أَعْرِفُهُمْ بِأَسْمائِهِمْ وَأَنْسابِهِمْ، وَقَدْ أُمِرْتُ بِالصَّفْحِ عَنْهُمْ

کسانی که آنان را با نام و نَسَب می‌شناسم، اما به پرده‌پوشی کارشان مأمورم.

فَلْیَعْمَلْ کُلُّ امْرِئٍ عَلیٰ مایَجِدُ لِعَلِیٍّ فی قَلْبِهِ مِنَ الْحُبِّ وَالْبُغْضِ.

پس هر کس پایه کار خویش را مهر و یا خشم علی (ع) در دل قرار دهد [و بداند که ارزش عمل او وابسته به آن است].

مَعاشِرَ النّاسِ، النُّورُ مِنَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ مَسْلوکٌ فِیَّ ثُمَّ فی عَلِیِّ بْنِ أَبی طالِبٍ،

هان مردمان! نور خداوند عزّوجل (ابتدا) در جان من جای گرفته و سپس در جان علی بن ابی طالب (ع)،

ثُمَّ فِی النَّسْلِ مِنْهُ إِلَی الْقائِمِ الْمَهْدِیِّ

و پس از او در نسل او تا قائم مهدی (عج) جای گرفته است.

الَّذی یَأْخُذُ بِحَقِّ اللهِ وَ بِکُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنا،

(مهدی(عج)) همان کسی است که حق خدا را می‌ستاند و همه حقوق ما را.

لِأَنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ قَدْ جَعَلَنا حُجَّةً

چرا که خداوند عزّوجل ما را دلیل و راهنما و حجت قرار داده است

عَلَی الْمُقَصِّرینَ وَالْمعُانِدینَ وَالْمُخالِفینَ

بر کوتاهی‌کنندگان، ستیزه‌گران و ناسازگاران،

وَالْخائِنینَ وَالْآثِمینَ وَالّظَالِمینَ وَالْغاصِبینَ

و بر خائنان، گنهکاران، ستمکاران و غاصبان

مِنْ جَمیعِ الْعالَمینَ.

از تمامی جهانیان.

## هشدار

مَعاشِرَ النّاسِ، أُنْذِرُکُمْ

هان مردمان! هشدارتان می‌دهم:

أَنّی رَسُولُ اللهِ قَدْخَلَتْ مِنْ قَبْلِیَ الرُّسُلُ،

همانا من رسول خدایم که پیش از من نیز رسولانی آمده‌اند.

أَفَإِنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ «انْقَلَبْتُمْ عَلی أَعْقابِکُمْ»؟

آیا اگر من بمیرم یا کشته شوم، «به جاهلیت عقب‌گرد می‌کنید؟» (آل عمران/ 144)

«وَمَنْ یَنْقَلِبْ عَلی عَقِبَیْهِ فَلَنْ یَضُرَّ اللهَ شَیْئاً وَسَیَجْزِی اللهُ الشّاکِرینَ»

«آن که به قهقرا برگردد، هرگز خدا را زیانی نخواهد رسانید و خداوند سپاسگزاران شکیباگر را پاداش خواهد داد» (آل عمران/ 144)

أَلا وَإِنَّ عَلِیّاً هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّکْرِ،

بدانید که علی (ع) دارای کمال شکیبایی و سپاسگزاری‌اند.

ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدی مِنْ صُلْبِهِ.

و پس از او فرزندان من که از نسل اویند.

مَعاشِرَ النّاسِ، لاتَمُنُّوا عَلَیَّ بِإِسْلامِکُمْ، بَلْ لاتَمُنُّوا عَلَی اللهِ

هان مردمان! اسلامتان را بر من منت نگذارید؛ بلکه بر خدا منت مگذارید (اشاره به حجرات/ 17)

فَیُحْبِطَ عَمَلَکُمْ وَیَسْخَطَ عَلَیْکُمْ

که (دراین صورت)، اعمالتان را تباه خواهد کرد و بر شما خشم خواهد گرفت،

وَ یَبْتَلِیَکُمْ بِشُواظٍ «مِنْ نارٍ وَ نُحاسٍ»،

و سپس شما را به «شعله‌ی گداخته از آتش و مس» (الرحمن/ 35) گرفتار خواهد نمود.

إِنَّ رَبَّکُمْ لَبِالْمِرْصادِ.

همانا پروردگار شما در کمین گاه است (اشاره به فجر/ 14)

مَعاشِرَ النّاسِ، إِنَّهُ سَیَکُونُ مِنْ بَعْدی «أَئمَّةٌ یَدْعُونَ إِلَی النّارِ وَیَوْمَ الْقِیامَةِ لایُنْصَرونَ».

مردمان! به زودی پس از من «پیشوایانی خواهند بود که شما را به سوی آتش می‌خوانند و در روز رستاخیز تنها و بدون یاور خواهند ماند» (قصص/ 41).

مَعاشِرَ النّاسِ، إِنَّ اللهَ وَأَنَا بَریئانِ مِنْهُمْ.

هان مردمان! خداوند و من از آنان بیزاریم.

مَعاشِرَ النّاسِ، إِنَّهُمْ وَأَنْصارَهُمْ وَأَتْباعَهُمْ وَأَشْیاعَهُمْ «فِی الدَّرْکِ الْأَسْفَلِ مِنَ النّارِ»

هان مردمان! آنان و یاران و پیروانشان «در بدترین جای جهنمند» (نساء/ 145)،

وَ «لَبِئْسَ مَثْوَی الْمُتَکَبِّرِینَ».

«و جایگاه متکبّران چه بد خواهد بود» (نحل/29).

أَلا إِنَّهُمْ أَصْحابُ الصَّحیفَةِ، فَلْیَنْظُرْ أَحَدُکُمْ فی صَحیفَتِهِ!

بدانید آنان اصحاب صحیفه‌اند. پس هرکس در صحیفه‌ی خود نظر کند.

مَعاشِرَ النّاسِ، إِنِّی أَدَعُها إِمامَةً وَ وِراثَةً (فی عَقِبی إِلی یَوْمِ الْقِیامَةِ)،

هان مردمان! من جانشینی خود را به عنوان امامت و وراثت در نسل خود به امانت می‌گذارم تا برپایی روز رستاخیز.

## ابلاغ پیام غدیر، وظیفه همگانی

وَقَدْ بَلَّغْتُ ما أُمِرتُ بِتَبْلیغِهِ

و حال، مأموریت تبلیغی خود را انجام دادم

حُجَّةً عَلی کُلِّ حاضِرٍ وَغائبٍ

تا برهانی باشد بر هر حاضر و غایب

وَ عَلی کُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ‌یَشْهَدْ،

و بر هر که شاهد بود یا نبود

وُلِدَ أَوْ لَمْ‌یُولَدْ،

و بر آنان که زاده شده یا نشده‌اند

فَلْیُبَلِّغِ الْحاضِرُ الْغائِبَ وَالْوالِدُ الْوَلَدَ إِلی یَوْمِ الْقِیامَةِ.

پس تا برپایی رستاخیز، باید این سخن را حاضران به غایبان و پدران به فرزندان برسانند.

وَسَیَجْعَلُونَ الْإِمامَةَ بَعْدی مُلْکاً وَ اغْتِصاباً،

آگاه باشید! به زودی پس از من امامت را پادشاهی قرار می‌دهند و غاصبانه آن را تصرف می‌کنند.

أَلا لَعَنَ اللهُ الْغاصِبینَ الْمُغْتَصِبینَ،

آگاه باشید! خداوند غاصبان چپاولگر را از رحمت خود دور ساخته است.

وَعِنْدَها «سَیَفْرُغُ لَکُمْ أَیُّهَا الثَّقَلانِ» (مَنْ یَفْرَغُ)

و در آن هنگام «به حسابتان خواهیم رسید ای جن و انس» (الرحمن/ 31)!

وَ «یُرْسِلُ عَلَیْکُما شُواظٌ مِنْ نارٍ وَنُحاسٌ فَلاتَنْتَصِرانِ»

و «البته خداوند شعله‌های آتش و مس گداخته بر سر شما جن و انس خواهد ریخت. آن جاست که دیگر یاری نخواهید شد» (الرحمن/ 35)

مَعاشِرَ النّاسِ، إِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ یَکُنْ لِیَذَرَکُمْ «عَلی ما أَنْتُمْ عَلَیْهِ حَتّی یَمیزَ الْخَبیثَ مِنَ الطَّیِّبِ، وَ ما کانَ اللهُ لِیُطْلِعَکُمْ عَلَی الْغَیْبِ».

هان مردمان! هر آینه خداوند عزوجلّ شما را «به حالتان رها نخواهد کرد تا ناپاک را از پاک جدا کند و خداوند نمی‌خواهد شما را بر غیب آگاه گرداند» (آل عمران/ 179).

مَعاشِرَ النّاسِ، إِنَّهُ ما مِنْ قَرْیَةٍ إِلّا وَاللهُ مُهْلِکُها بِتَکْذیبِها قَبْلَ یَوْمِ الْقِیامَةِ

هان مردمان! هیچ سرزمینی نیست مگر این که خداوند به خاطر تکذیب حق توسط اهل آن، آنان را پیش از روز رستاخیز نابود خواهد فرمود

وَ مُمَلِّکُهَا الْإِمامَ الْمَهْدِیَّ

و آن سرزمین را به امام مهدی (عج) خواهد سپرد.

وَاللهُ مُصَدِّقٌ وَعْدَهُ.

و هرآینه خداوند وعده‌ی خود را انجام خواهد داد.

مَعاشِرَ النّاسِ، قَدْ ضَلَّ قَبْلَکُمْ أَکْثَرُ الْأَوَّلینَ،

هان مردمان! پیش از شما، شمار فزونی از گذشتگان گمراه شدند

وَاللهُ لَقَدْ أَهْلَکَ الْأَوَّلینَ، وَهُوَ مُهْلِکُ الْآخِرینَ.

و خداوند قطعا آنان را نابود کرد. و همو نابودکننده‌ی آیندگان است.

قالَ اللهُ تَعالی: «أَلَمْ نُهْلِکِ الْأَوَّلینَ، ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْآخِرینَ»

خداوند می‌فرماید: «آیا پیشینیان را تباه نکردیم و به دنبال آنان آیندگان را گرفتار نساختیم؟» (مرسلات/ 16-17)

کذٰلِکَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمینَ، وَیْلٌ یَوْمَئِذٍ لِلْمُکَذِّبینَ».

«با مجرمان این چنین کنیم. وای بر تکذیب کنندگان!» (مرسلات/ 18-19)

مَعاشِرَ النّاسِ، إِنَّ الله قَدْ أَمَرَنی وَنَهانی،

هان مردمان! همانا خداوند امر و نهی خود را به من فرموده

وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِیّاً وَنَهَیْتُهُ (بِأَمْرِهِ).

و من نیز علی (ع) را امر و نهی نموده ام.

فَعِلْمُ الْأَمْرِ وَالنَّهُی لَدَیْهِ،

پس دانش امر و نهی الهی نزد علی (ع) است.

فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلَمُوا

پس گوش به فرمانش باشید تا در امان بمانید

وَأَطیعُوهُ تَهْتَدُوا

و پیروی‌اش نمایید تا هدایت گردید

وَانْتَهُوا لِنَهْیِهِ تَرشُدُوا،

و از آنچه بازتان دارد خودداری کنید تا راه یابید.

(وَصِیرُوا إِلی مُرادِهِ)

به سوی هدف او حرکت کنید.

وَلا تَتَفَرَّقْ بِکُمُ السُّبُلُ عَنْ سَبیلِهِ.

و مبادا راه‌های گونه‌گون شما را از راه او بازدارد! (اشاره به انعام/ 153)

## دوستان و دشمنان اهل بیت (ع)

مَعاشِرَ النّاسِ، أَنَا صِراطُ اللهِ الْمُسْتَقیمُ

هان مردمان! راه مستقیم خداوند منم.

الَّذی أَمَرَکُمْ بِاتِّباعِهِ،

همو که خدا شما را به پیروی‌اش امر فرموده.

ثُمَّ عَلِیٌّ مِنْ بَعْدی.

و پس از من علی است

ثُمَّ وُلْدی مِنْ صُلْبِهِ أَئِمَّةُ (الْهُدی)،

و آن گاه فرزندانم از نسل او،

یَهْدُونَ إِلَی الْحَقِّ وَ بِهِ یَعْدِلونَ.

که راه حق راهنمایند و به آن حکم و دعوت کنند (اشاره به اعراف/ 181).

ثُمَّ قَرَأَ: «بِسْمِ الله الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ \* الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبّ‏ِ الْعَلَمِينَ \* الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ \* إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ \* اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ \* صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّين»

سپس رسول خدا (ص) سوره‌ی فاتحه را قرائت نمود: «به نام خداوند همه مهرِ مهرورز \* همه ستايش‏ها، ويژه خداست كه مالك و مربّى جهانيان است \* رحمتش بى‏اندازه و مهربانى‏اش هميشگى است \* صاحب و داراى روز پاداش است \* [پروردگارا!] فقط تو را مى‏پرستيم وتنها از تو يارى مى‏خواهيم \* ما را به راهِ راست هدايت كن \* راه كسانى [چون پيامبران، صدّيقان، شهيدان و صالحان‏] كه به آنان نعمتِ [ايمان، عمل شايسته و اخلاق حسنه‏] عطاكردى، هم آنان كه نه مورد خشم تواند و نه گمراه‏اند»

وَقالَ: فِیَّ نَزَلَتْ وَفیهِمْ (وَالله) نَزَلَتْ،

و فرمود: هان! به خدا سوگند این سوره درباره‌ی من و امامان نازل شده

وَلَهُمْ عَمَّتْ وَإِیَّاهُمْ خَصَّتْ،

و شامل آنان است و به آنان اختصاص دارد.

أُولئکَ أَوْلِیاءُ اللهِ «الَّذینَ لاخَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلاهُمْ یَحْزَنونَ»،

آنان «اولیای خدایند که ترس و اندوهی برایشان نیست» (یونس/ 62)،

أَلا «إِنَّ حِزْبَ الله هُمُ الْغالِبُونَ».

آگاه باشید: «البته حزب خدا، چیره و غالب خواهد بود» (مائده/ 56).

أَلا إِنَّ أَعْدائَهُمْ هُمُ السُّفَهاءُ الْغاوُونَ إِخْوانُ الشَّیاطینِ

هشدار که: ستیزندگان با امامان، همان سبک‌مغزانِ گمراه و همکاران شیاطین‌اند

«یوحی بَعْضُهُمْ إِلی بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُروراً».

«که برای گمراهی مردمان، سخنان بیهوده و پوچ را به یکدیگر می‌رسانند» (انعام/ 112).

أَلا إِنَّ أَوْلِیائَهُمُ الَّذینَ ذَکَرَهُمُ اللهُ فی کِتابِهِ،

بدانید که دوستان امامان همانند که خدا در کتاب خود از آنان یاد کرده:

فَقالَ عَزَّوَجَلَّ: «لاتَجِدُ قَوْماً یُؤمِنُونَ بِاللهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ یُوادُّونَ مَنْ حادَّ اللهَ وَ رَسُولَهُ وَلَوْکانُوا آبائَهُمْ أَوْ أَبْنائَهُمْ أَوْ إِخْوانَهُمْ أَوْ عَشیرَتَهُمْ، أُولئِکَ کَتَبَ فی قُلوبِهِمُ الْإیمانَ وَ أَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَ يُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا، رَضِىِ‏َ اللَّهُ عَنهُمْ وَ رَضُواْ عَنْهُ، أُوْلَئكَ حِزْبُ اللَّهِ، أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ المُفْلِحُون».

خداوند عزوجل فرمود: « [ای پیامبر ما] نمی‌یابی کسانی را که به خدا و روز بازپسین ایمان دارند، دشمان خدا و رسولش را دوست بدارند، گرچه آنان پدران، برادران و خویشانشان باشند. آنان [که چنین‌اند] خداوند ایمان را در دل‌هایشان نبشته و به روحى از جانب خود نيرومندشان ساخته و آنان را به بهشت‏هايى كه از زير [درختان‏] آن نهرها جارى است درمى‏آورد، در آنجا جاودانه‏اند، خدا از آنان خشنود است و آنان هم از خدا خشنودند. اينان حزب خدا هستند، آگاه باش كه بى‏ترديد حزب خدا همان رستگارانند» (مجادلة/ 22).

أَلا إِنَّ أَوْلِیائَهُمُ الْمُؤْمِنونَ الَّذینَ وَصَفَهُمُ الله عَزَّوَجَلَّ

هان! دوستداران امامان، مومنانی‌اند که قرآن چنان توصیفشان فرموده

فَقالَ: «الَّذینَ آمَنُوا وَلَمْ یَلْبِسُوا إیمانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولئِکَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدونَ».

«آنان که ایمان آورده و باور خود را به شرک نیالوده‌اند، در امان و در راه راست هستند» (انعام/ 82).

(أَلا إِنَّ أَوْلِیائَهُمُ الَّذینَ آمَنُوا وَلَمْ یَرْتابوا).

هشدار! یاران پیشوایان، کسانی‌اند که ایمان آورده و شک نکردند (اشاره به حجرات/ 15).

أَلا إِنَّ أَوْلِیائَهُمُ الَّذینَ یَدْخُلونَ الْجَنَّةَ بِسَلامٍ آمِنینَ،

هشدار! اولیای امامان آنانند که با آرامش و سلام به بهشت وارد خواهند شد

«تَتَلَقّاهُمُ الْمَلائِکَةُ» بِالتَّسْلیمِ

با سلام و درود، «فرشتگان به استقبالشان می‌آیند» (انبیا/ 103»،

یَقُولونَ: «سَلامٌ عَلَیْکُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلوها خالِدینَ».

خواهند گفت: «درود بر شما که پاک شده‌اید. اینک داخل بهشت شوید که جاودانه در آن خواهید بود» (زمر/ 73).

أَلا إِنَّ أَوْلِیائَهُمْ، لَهُمُ الْجَنَّةُ

هان! بهشت پاداش دوستان آنان است

«یُرْزَقونَ فیها بِغَیْرِ حِسابٍ».

و «در آن بی‌حساب روزی داده خواهند شد» (غافر/ 40).

أَلا إِنَّ أَعْدائَهُمُ الَّذینَ یَصْلَونَ سَعیراً.

هان! دشمنان آنان آن کسانی‌اند که در آتش درآیند. (اشاره به نساء/ 10)

أَلا إِنَّ أَعْدائَهُمُ الَّذینَ یَسْمَعونَ لِجَهَنَّمَ «شَهیقاً وَ هِی تَفورُ» وَ یَرَوْنَ لَها زَفیراً.

هان! دشمنان آنان آن کسانی‌اند که «ناله‌ی افروزش جهنم را می‌شنوند در حالی که شعله‌های آتش زبانه می‌کشد» (ملک/ 7) و زفیر (صدی بازدم) جهنم را نیز درمی‌یابند.

أَلا إِنَّ أَعْدائَهُمُ الَّذینَ قالَ اللهُ فیهِمْ: «کُلَّما دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَها حَتىَّ إِذَا ادَّارَكُواْ فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأُولَاهُمْ رَبَّنَا هٰؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَئَاتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ، قَالَ لِكلُ‏ٍّ ضِعْفٌ وَ لَكِن لَّا تَعْلَمُون).

هان! دشمنان آنان آن کسانی‌اند که خداوند درباره‌ی آنان فرموده: «هرگاه امتی داخل جهنم شود، هم مسلكان خود را نفرین كند تا آن‌كه همه آنان با خفت و خوارى در آتش جمع شوند، آن گاه پيروانشان درباره پيشوايانشان گويند: پروردگارا! اينان ما را به گمراهى كشيدند، پس عذابشان را از آتش دوچندان گردان. خدا مى‏فرمايد: براى هر كدامتان دو چندان است، ولى نمى‏دانيد» (اعراف/ 38).

أَلا إِنَّ أَعْدائَهُمُ الَّذینَ قالَ الله عَزَّوَجَلَّ: «کُلَّما أُلْقِی فیها فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُها أَلَمْ یَأتِکُمْ نَذیرٌ \* قالوا بَلی قَدْ جاءَنا نَذیرٌ فَکَذَّبْنا وَ قُلنا مانَزَّلَ الله مِنْ شَیءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلّا فی ضَلالٍ کَبیر \* وَ قَالُواْ لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فىِ أَصْحَابِ السَّعِيرِ \* فَاعْتَرَفُواْ بِذَنبِهِمْ أَلافَسُحْقاً لِأَصْحابِ السَّعیرِ».

هشدار! که دشمنان امامان همانانند که خداوند درباره‌ی آنان فرموده: «هر گروهی از آنان داخل جهنم شود نگاهبانان می‌پرسند: مگر برایتان ترساننده‌ی نیامد؟! \* می‌گویند: چرا ترساننده آمد لیکن تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند وحی نفرستاده و شما نیستید مگر در گمراهی بزرگ! \* و مى‏گويند: اگر ما [دعوت سعادت‏بخش آنان را] شنيده بوديم، يا [در حقايقى كه براى ما آوردند] تعقّل كرده بوديم، در ميان [آتش‏] اهل آتش سوزان نبوديم \* پس به گناه خود اعتراف مى‏كنند. هان! نابود باد دوزخیان!» (ملک/8-11)

أَلا إِنَّ أَوْلِیائَهُمُ «الَّذینَ یَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَیْبِ، لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ کَبیرٌ».

هان! یاران امامان «کسانی‌اند که در نهان، از پروردگار خویش ترسانند؛ آمرزش و پاداش بزرگ برای آنان خواهد بود» (ملک/ 12).

مَعاشِرَالنَاسِ، شَتّانَ مابَیْنَ السَّعیرِ وَالْأَجْرِ الْکَبیرِ.

هان مردمان! چه بسیار راه است میان آتش و پاداش بزرگ!

(مَعاشِرَ النّاسِ)، عَدُوُّنا مَنْ ذَمَّهُ الله وَلَعَنَهُ،

هان مردمان! دشمنان ما کسانی‌اند که خداوند آنان را ناستوده و نفرین فرموده،

وَ وَلِیُّنا (کُلُّ) مَنْ مَدَحَهُ الله وَ أَحَبَّهُ.

و دوستان ما کسانی‌اند که آنان را ستوده و دوست دارد.

مَعاشِرَ النّاسِ، أَلا وَإِنّی (أَنَا) النَّذیرُ و عَلِیٌّ الْبَشیرُ.

هان مردمان! بدانید که همانا من انذارگرم و علی (ع) مژده دهنده.

(مَعاشِرَ النّاسِ)، أَلا وَ إِنِّی مُنْذِرٌ وَ عَلِیٌّ هادٍ.

هان! که من بیم دهنده‌ام و علی (ع) راهنما.

مَعاشِرَ النّاسِ (أَلا) وَ إِنّی نَبیٌّ وَ عَلِیٌّ وَصِیٌّ.

هان مردمان! بدانید که من پیامبرم و علی (ع) وصی من است.

مَعاشِرَ النّاسِ، أَلاوَإِنِّی رَسولٌ

هان مردمان! بدانید که همانا من فرستاده‌ام

وَ عَلِیٌّ الْإِمامُ وَالْوَصِی مِنْ بَعْدی،

و علی (ع) امام و وصی پس از من است

وَالْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدُهُ.

و امامان پس از علی (ع) فرزندان اویند.

أَلا وَإِنّی والِدُهُمْ وَهُمْ یَخْرُجونَ مِنْ صُلْبِهِ.

آگاه باشید! من پدر آنانم ولی ایشان از نسل علی (ع) خواهند بود.

## حضرت مهدی (عج)

أَلا إِنَّ خاتَمَ الْأَئِمَةِ مِنَّا الْقائِمَ الْمَهْدِیَّ.

آگاه باشید! همانا آخرین امام، قائم مهدی از ماست.

أَلا إِنَّهُ الظّاهِرُ عَلَی الدِّینِ.

هان! او بر تمامی ادیان چیره خواهد بود.

أَلا إِنَّهُ الْمُنْتَقِمُ مِنَ الظّالِمینَ.

هشدار! که اوست انتقام‌گیرنده از ستمکاران.

أَلا إِنَّهُ فاتِحُ الْحُصُونِ وَهادِمُها.

هشدار! که اوست فاتح دژها و منهدم کننده‌ی آن‌ها.

أَلا إِنَّهُ غالِبُ کُلِّ قَبیلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشِّرْکِ وَهادیها.

هشدار! که اوست چیره بر تمامی قبایل مشرکان و راهنمای آنان.

أَلا إِنَّهُ الْمُدْرِکُ بِکُلِّ ثارٍ لِأَوْلِیاءِ الله.

هشدار! که او خونخواه تمام اولیای خداست.

أَلا إِنَّهُ النّاصِرُ لِدینِ الله.

آگاه باشید! اوست یاور دین خدا.

أَلا إِنَّهُ الْغَرّافُ مِنْ بَحْرٍ عَمیقٍ.

هشدار! که از دریایی ژرف پیمانه‌هایی افزون گیرد.

أَلا إِنَّهُ یَسِمُ کُلَّ ذی فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَ کُلَّ ذی جَهْلٍ بِجَهْلِهِ.

هشدار! که او به هر ارزشمندی به اندازه‌ی ارزش او، و به هر نادان و بی ارزشی به اندازه‌ی نادانی‌اش نیکی کند.

أَلا إِنَّهُ خِیَرَةُ الله وَ مُخْتارُهُ.

هشدار! که او نیکو و برگزیده‌ی خداوند است.

أَلا إِنَّهُ وارِثُ کُلِّ عِلْمٍ وَالْمُحیطُ بِکُلِّ فَهْمٍ.

هشدار! که او وارث دانش‌ها و حاکم بر ادراک‌هاست.

أَلا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ الْمُشَیِّدُ لِاَمْرِ آیاتِهِ.

هان! بدانید که او از سوی پروردگارش سخن می‌گوید و آیات و نشانه‌های او را برپا کند.

أَلا إِنَّهُ الرَّشیدُ السَّدیدُ.

بدانید همانا اوست بالیده و استوار.

أَلا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَیْهِ.

بیدار باشید! هموست که [اختیار امور جهانیان و آیین آنان] به او واگذار شده است.

أَلا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرونِ بَیْنَ یَدَیْهِ.

آگاه باشید! که تمامی گذشتگان ظهور او را مژده داده‌اند.

أَلا إِنَّهُ الْباقی حُجَّةً وَلاحُجَّةَ بَعْدَهُ

آگاه باشید! که اوست حجّت پایدار و پس از او حجّتی نخواهد بود.

وَلا حَقَّ إِلّا مَعَهُ وَلانُورَ إِلّاعِنْدَهُ.

حق فقط با او است و نور و تنها نزد اوست.

أَلا إِنَّهُ لاغالِبَ لَهُ

هان! کسی بر او پیروز نخواهد شد

وَلامَنْصورَ عَلَیْهِ.

و دشمن او یاری نخواهد گشت.

أَلاوَ إِنَّهُ وَلِیُّ اللهِ فی أَرْضِهِ،

آگاه باشید که او ولی خدا در زمین است

وَحَکَمُهُ فی خَلْقِهِ،

داور او در میان مردم است

وَأَمینُهُ فی سِرِّهِ وَ علانِیَتِهِ.

و امانتدار او در امور آشکار و نهان است.

## مطرح کردن بیعت

مَعاشِرَ النّاسِ، إِنّی قَدْ بَیَّنْتُ لَکُمْ وَأَفْهَمْتُکُمْ،

هان مردمان! من پیام خدا را برایتان آشکار کرده تفهیم نمودم

وَ هذا عَلِیٌّ یُفْهِمُکُمْ بَعْدی.

و این علی است که پس از من شما را آگاه می‌کند.

أَلا وَ إِنِّی عِنْدَ انْقِضاءِ خُطْبَتی أَدْعُوکُمْ إِلی مُصافَقَتی عَلی بَیْعَتِهِ وَ الإِقْرارِ بِهِ، ثُمَّ مُصافَقَتِهِ بَعْدی.

اینک شما را می‌خوانم که پس از پایان خطبه با من و سپس با علی دست دهید تا با او بیعت کرده به امامت او اقرار نمایید.

أَلا وَ إِنَّی قَدْ بایَعْتُ الله وَ عَلِیٌّ قَدْ بایَعَنی

آگاه باشید من با خداوند و علی با من پیمان بسته

وَأَنَا آخِذُکُمْ بِالْبَیْعَةِ لَهُ عَنِ الله عَزَّوَجَلَّ.

و من اکنون از سوی خدای عزّوجل برای امامت او پیمان می‌گیرم.

«إِنَّ الَّذینَ یُبایِعُونَکَ إِنَّما یُبایِعُونَ الله، یَدُالله فَوْقَ أَیْدیهِمْ. فَمَنْ نَکَثَ فَإِنَّما یَنْکُثُ عَلی نَفْسِهِ، وَ مَنْ أَوْفی بِما عاهَدَ عَلَیْهُ الله فَسَیُؤْتیهِ أَجْراً عَظیماً».

«[ای پیامبر] آنان که با تو بیعت کنند هر آینه با خدا بیعت کرده‌اند. دست خدا بالای دستان آنان است. و هر کس بیعت شکند، بر زیان خود شکسته، و آن کس که بر پیمان خداوند استوار و باوفا باشد، خداوند به او پاداش بزرگی خواهد داد» (فتح/10).

## حج و عمره، نماز و روزه

مَعاشِرَ النّاسِ، إِنَّ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنْ شَعائرِ الله،

هان مردمان! همانا حج و عمره از شعائر و آداب و رسوم خدایی است.

«فَمَنْ حَجَّ الْبَیْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلاجُناحَ عَلَیْهِ أَنْ یَطَّوَّفَ بِهِما وَ مَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيم».

«پس زائران خانه‌ی خدا و عمره کنندگان بر صفا و مروه بسیار طواف کنند و كسى كه [به خواست خودش افزون بر واجبات‏] كار نيكى انجام دهد، بدون ترديد، خدا پاداش دهنده و [به كار و حال او] داناست » (بقره/ 158).

مَعاشِرَ النّاسِ، حُجُّوا الْبَیْتَ،

هان مردمان! در خانه‌ی خدا حج گزارید؛

فَما وَرَدَهُ أَهْلُ بَیْتٍ إِلَّا اسْتَغْنَوْا وَ أُبْشِروا،

هیچ خاندانی داخل خانه‌ی خدا نشد مگر آن که بی‌نیاز شد و مژده گرفت،

وَلاتَخَلَّفُوا عَنْهُ إِلّا بَتَرُوا وَ افْتَقَرُوا.

و کسی از آن روی برنگردانید مگر بی‌بهره و نیازمند گردید.

مَعاشِرَ النّاسِ، ما وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلّا غَفَرَ اللهُ لَهُ ما سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلی وَقْتِهِ ذٰلِکَ،

هان مردمان! مؤمنی در مواقف حج نمانَد، مگر این که خدا گناهان گذشته‌ی او را بیامرزد

فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ اسْتَأْنَفَ عَمَلَهُ.

و پس از پایان اعمال حج، حاجی [با پرونده‌ای پاک] کار خود را از سر می‌گیرد.

مَعاشِرَالنَّاسِ، الْحُجّاجُ مُعانُونَ وَ نَفَقاتُهُمْ مُخَلَّفَةٌ عَلَیْهِمْ

هان مردمان! حاجیان دستگیری شده‌اند و هزینه‌های سفرشان جبران می‌شود

وَالله «لایُضیعُ أَجْرَ الْمُحْسِنینَ».

و البته «خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نخواهد کرد» (توبه/ 120).

مَعاشِرَ النّاسِ، حُجُّوا الْبَیْتَ بِکَمالِ الدّینِ وَالتَّفَقُّهِ،

هان مردمان! خانه‌ی خدا را با دین کامل و دانشی ژرف زیارت کنید

وَلاتَنْصَرِفُوا عَنِ الْمشَاهِدِ إِلّا بِتَوْبَةٍ وَ إِقْلاعٍ.

و از زیارتگاه‌ها جز با توبه و بازایستادن [از گناهان] برنگردید.

مَعاشِرَ النّاسِ، «أَقیمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّکاةَ» کَما أَمَرَکُمُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ،

هان مردمان! نماز را به پا دارید و زکات بپردازید (بقره/ 43) همان سان که خداوند عزّوجل امر فرموده.

فَإِنْ طالَ عَلَیْکُمُ الْأَمَدُ فَقَصَّرْتُمْ أَوْ نَسِیتُمْ فَعَلِیٌّ وَلِیُّکُمْ وَمُبَیِّنٌ لَکُمْ،

پس اگر زمان بر شما دراز شد و کوتاهی کردید یا از یاد بردید، علی (ع) صاحب اختیار و تبیین کننده‌ی بر شماست.

الَّذی نَصَبَهُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ لَکُمْ بَعْدی أَمینَ خَلْقِهِ.

همو که خداوند عزّوجل او را پس از من امانتدار خویش در میان آفریدگانش نهاده.

إِنَّهُ مِنِّی وَ أَنَا مِنْهُ، وَ هُوَ وَ مَنْ تَخْلُفُ مِنْ ذُرِّیَّتی یُخْبِرونَکُمْ بِماتَسْأَلوُنَ عَنْهُ وَیُبَیِّنُونَ لَکُمْ ما لاتَعْلَمُونَ.

همانا او از من و من از اویم. و او و فرزندان من از جانشینان او، پرسش‌های شما را پاسخ دهند و آن چه را نمی‌دانید به شما می‌آموزند.

## حلال و حرام

أَلا إِنَّ الْحَلالَ وَالْحَرامَ أَکْثَرُ مِنْ أَنْ أُحصِیَهُما وَأُعَرِّفَهُما فَآمُرَ بِالْحَلالِ وَ اَنهَی عَنِ الْحَرامِ فی مَقامٍ واحِدٍ،

هان! روا و ناروا بیش از آن است که من شمارش کنم و بشناسانم و در این جا یکباره به روا فرمان دهم و از ناروا بازدارم.

فَأُمِرْتُ أَنْ آخُذَ الْبَیْعَةَ مِنْکُمْ وَالصَّفْقَةَ لَکُمْ بِقَبُولِ ماجِئْتُ بِهِ عَنِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ فی عَلِیٍّ أمیرِالْمُؤْمِنینَ وَالأَوْصِیاءِ مِنْ بَعْدِهِ.

از این روی مأمورم از شما بیعت بگیرم که دست در دست من نهید در مورد پذیرش آنچه از سوی خداوند آورده‌ام درباره‌ی علی امیرالمؤمنین و اوصیای پس از او.

الَّذینَ هُمْ مِنِّی وَمِنْهُ،

همانانی که از من و اویند.

إمامَةٌ فیهِمْ قائِمَةٌ،

و این امامت در آنان پایدار است

خاتِمُها الْمَهْدی

و فرجامشان، مهدی (عج) است

إِلی یَوْمٍ یَلْقَی اللهَ الَّذی یُقَدِّرُ وَ یَقْضی.

و استمرار امامت تا روزی است که او با خداوندی که قَدَر و قضا به دست او است، ملاقات کند.

مَعاشِرَ النّاسِ، وَ کُلُّ حَلالٍ دَلَلْتُکُمْ عَلَیْهِ وَکُلُّ حَرامٍ نَهَیْتُکُمْ عَنْهُ

هان مردمان! شما را به هرگونه روا و ناروا راهنمایی کردم

فَإِنِّی لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذٰلِکَ وَ لَمْ أُبَدِّلْ.

و از آن هرگز برنمی‌گردم و تغییر نمی‌دهم.

أَلا فَاذْکُرُوا ذٰلِکَ وَاحْفَظُوهُ وَ تَواصَوْا بِهِ،

بدانید و آگاه باشید! آن‌ها را یاد کنید و نگه دارید و یکدیگر را به آن توصیه نمایید

وَلا تُبَدِّلُوهُ وَلاتُغَیِّرُوهُ.

و در احکام خدا دگرگونی و تغییر راه ندهید.

## حقیقت امر به معروف

أَلا وَ إِنِّی اُجَدِّدُ الْقَوْلَ: أَلا «فَأَقیمُوا الصَّلاةَ وَآتُوا الزَّکاةَ»

هشدار که دوباره می‌گویم: بیدار باشید! «نماز را به پا دارید و زکات بپردازید» (حج/ 78).

وَأْمُرُوا بِالْمَعْروفِ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ.

و امر به معروف کنید و از منکر بازدارید.

أَلا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلی قَوْلی

و بدانید که ریشه‌ی امر به معروف این است که به گفته‌ی من [درباره‌ی امامت] برسید

وَتُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ یَحْضُرْ

و سخن مرا به دیگران برسانید

وَ تَأْمُروُهُ بِقَبُولِهِ عَنِّی

و غایبان را به پذیرش فرمان من توصیه کنید

وَتَنْهَوْهُ عَنْ مُخالَفَتِهِ،

و آنان را از ناسازگاری سخنان من بازدارید؛

فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ وَمِنِّی.

همانا سخن من فرمان خدا و فرمانِ من است.

وَلا أَمْرَ بِمَعْروفٍ وَلا نَهْیَ عَنْ مُنْکَرٍ إِلّا مَعَ إِمامٍ مَعْصومٍ.

و هیچ امر به معروف و نهی از منکری جز با امام معصوم تحقق و کمال نمی‌یابد.

مَعاشِرَ النّاسِ، الْقُرْآنُ یُعَرِّفُکُمْ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدُهُ،

هان مردمان! قرآن بر شما روشن می‌کند که امامان پس از علی (ع) فرزندان اویند

وَعَرَّفْتُکُمْ إِنَّهُمْ مِنِّی وَمِنْهُ،

و من به شما شناساندم که آنان از من و از اویند،

حَیْثُ یَقُولُ الله فی کِتابِهِ: «وَ جَعَلَها کَلِمَةً باقِیَةً فی عَقِبِهِ».

چرا که خداوند در کتاب خود می‌گوید: «امامت را فرمانی پایدار در نسل او قرار داد» (زخرف/ 28)

وَقُلْتُ: لَنْ تَضِلُّوا ما إِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِما.

و من نیز گفته‌ام که: مادام که به قرآن و امامان تمسک کنید، گمراه نخواهید شد.

مَعاشِرَ النّاسِ، التَّقْوی، التَّقْوی، وَاحْذَرُوا السّاعَةَ

هان مردمان! تقوا را، تقوا را رعایت کرده از سختی رستاخیز بهراسید،

کَما قالَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ: «إِنَّ زَلْزَلَةَ السّاعَةِ شَیءٌ عَظیمٌ».

همان‌گونه که خداوند عزّوجل فرمود: «البته زلزله‌ی روز رستاخیز، حادثه‌ی بزرگ است» (حج/ 1).

اُذْکُرُوا الْمَماتَ (وَالْمَعادَ) وَالْحِسابَ وَالْمَوازینَ

مرگ، قیامت، حساب و ترازوهای اعمال را به یاد آورید

وَالْمُحاسَبَةَ بَیْنَ یَدَی رَبِّ الْعالَمینَ وَالثَّوابَ وَالْعِقابَ.

و محاسبه‌ی در برابر پروردگار جهانیان و پاداش و کیفر را یاد کنید.

فَمَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ أُثیبَ عَلَیْها

آن که نیکی آورد، پاداش گیرد.

وَ مَنْ جاءَ بِالسَّیِّئَةِ فَلَیْسَ لَهُ فِی الجِنانِ نَصیبٌ.

و آن که بدی کرد، بهره‌ای از بهشت نخواهد برد.

## بیعت گرفتن رسمی

مَعاشِرَ النّاسِ، إِنَّکُمْ أَکْثَرُ مِنْ أَنْ تُصافِقُونی بِکَفٍّ واحِدٍ فی وَقْتٍ واحِدٍ،

هان مردمان! شما بیش از آنید که در یک زمان با یک دست من بیعت نمایید.

وَقَدْ أَمَرَنِیَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ آخُذَ مِنْ أَلْسِنَتِکُمُ الْإِقْرارَ

از این روی خداوند عزّوجل به من دستور داده که از زبان شما اقرار بگیرم

بِما عَقَّدْتُ لِعَلِیٍّ أَمیرِالْمُؤْمنینَ،

بر پیمان ولایت علی امیرالمؤمنین (ع) که بر عهده شما نهادم

وَلِمَنْ جاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَئِمَّةِ مِنّی وَ مِنْهُ،

و نیز بر امامان پس از او که از نسل من و اویند؛

عَلی ما أَعْلَمْتُکُمْ أَنَّ ذُرِّیَّتی مِنْ صُلْبِهِ.

همان گونه که اعلام کردم که ذرّیّه من از نسل اوست.

فَقُولُوا بِأَجْمَعِکُمْ:

پس همگان یکصدا بگویید:

إِنّا سامِعُونَ مُطیعُونَ راضُونَ مُنْقادُونَ

البتّه که سخنان تو را شنیده، پیروی می‌کنیم و از آن‌ها خشنودیم و اطاعت می‌کنیم

لِما بَلَّغْتَ عَنْ رَبِّنا وَرَبِّکَ

همان را که از سوی پروردگارمان به ما ابلاغ کردی،

فی أَمْرِ إِمامِنا عَلِی أَمیرِالْمُؤْمِنینَ

در مورد امامت اماممان علی امیرالمؤمنین (ع)

وَ مَنْ وُلِدَ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَئِمَّةِ.

و نیز امامان دیگر که از صلب اویند.

نُبایِعُکَ عَلی ذٰلِکَ

با تو پیمان می‌بندیم

بِقُلوُبِنا وَأَنْفُسِنا وَأَلْسِنَتِنا وَأَیْدینا.

با دل و جان و زبان و دست‌هایمان.

علی ذٰلِکَ نَحْیی وَ عَلَیْهِ نَموتُ وَ عَلَیْهِ نُبْعَثُ.

با این پیمان زنده‌ایم و با آن خواهیم مرد و با آن اعتقاد برانگیخته می‌شویم.

وَلانُغَیِّرُ وَلانُبَدِّلُ،

و هرگز آن را دگرگون نکرده و تغییر نخواهیم داد.

وَلا نَشُکُّ (وَلانَجْحَدُ) وَلانَرْتابُ،

و شکّ نمی‌کنیم و انکار نخواهیم داشت و در آن تردید نخواهیم کرد.

وَلا نَرْجِعُ عَنِ الْعَهْدِ وَلا نَنْقُضُ الْمیثاقَ.

و از عهد و پیمان خود برنمی‌گردیم.

وَعَظْتَنا بِوَعْظِ الله

[ای رسول خدا] ما را به فرمان خدا پند دادی،

فی عَلِیٍّ أَمیرِالْمؤْمِنینَ وَالْأَئِمَّةِ الَّذینَ ذَکَرْتَ مِنْ ذُرِّیتِکَ مِنْ وُلْدِهِ بَعْدَهُ،

درباره‌ی علی امیرالمؤمنین (ع) و امامانی که از نسل تو و از فرزندان اویند،

الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَ مَنْ نَصَبَهُ اللهُ بَعْدَهُما.

یعنی حسن (ع) و حسین (ع) و آنان که خداوند پس از آنان منصوب کرده است.

فَالْعَهْدُ وَالْمیثاقُ لَهُمْ مَأْخُوذٌ مِنَّا،

پس عهد و پیمان از ما گرفته شد

مِنْ قُلُوبِنا وَأَنْفُسِنا وَأَلْسِنَتِنا وَضَمائِرِنا وَأَیْدِینا.

از دل و جان و زبان و روح و دستانمان.

مَنْ أَدْرَکَها بِیَدِهِ وَ إِلّا فَقَدْ أَقَرَّ بِلِسانِهِ،

هر کس توانست با دست (پیمان بسته) و اگرنتوانست با زبان اقرار کند.

وَلا نَبْتَغی بِذٰلِکَ بَدَلاً وَلایَرَی الله مِنْ أَنْفُسِنا حِوَلاً.

و هرگز پیمانمان را دگرگون نخواهیم کرد و خداوند از ما شکست عهد نبیند.

نَحْنُ نُؤَدّی ذٰلِکَ عَنْکَ الّدانی والقاصی مِنْ اَوْلادِنا واَهالینا،

و نیز فرمان تو را به نزدیک و دور از فرزندان و خویشان خود خواهیم رسانید

وَ نُشْهِدُ اللهَ بِذٰلِکَ

و خداوند را بر آن گواه خواهیم گرفت.

«وَ کَفی بِالله شَهیداً»

«و هر آینه خداوند بر گواهی کافی است» (نساء/ 79)

وَأَنْتَ عَلَیْنا بِهِ شَهیدٌ

و تو نیز بر ما گواه باش.

مَعاشِرَ النّاسِ، ماتَقُولونَ؟

هان مردمان! چه می‌گویید؟

فَإِنَّ اللهَ یَعْلَمُ کُلَّ صَوْتٍ وَ خافِیَةَ کُلِّ نَفْسٍ،

همانا خداوند هر صدایی را می‌شنود و آن را که از دل‌ها می‌گذرد می‌داند.

«فَمَنِ اهْتَدی فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّما یَضِلُّ عَلَیْها»،

«هر آن کس هدایت پذیرفت، به خیر خویش پذیرفته و آن که گمراه شد، به زیان خود رفته» (زمر/ 41)

وَمَنْ بایَعَ فَإِنَّما یُبایِعُ اللهَ،

و هر کس بیعت کند، هر آینه با خداوند پیمان بسته (اشاره به فتح/ 10)

«یَدُ اللهِ فَوْقَ أَیْدیهِمْ».

که «دست خدا بالای دستان آن‌هاست» (فتح/ 10).

مَعاشِرَ النّاسِ، فَبایِعُوا اللهَ وَ بایِعُونی

هان مردمان! اینک با خداوند بیعت کنید و با من پیمان بندید

وَبایِعُوا عَلِیّاً أَمیرَالْمُؤْمِنینَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَیْنَ وَالْأَئِمَّةَ مِنْهُمْ

و با علی امیرالمؤمنین (ع) و حسن (ع) و حسین (ع) و امامان از نسل آنان (ع) بیعت کنید.

فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ کَلِمَةً باقِیَةً.

که نشانه‌ی پایدارند در دنیا و آخرت.

یُهْلِکُ اللهُ مَنْ غَدَرَ وَ یَرْحَمُ مَنْ وَ فی،

خداوند مکّاران را تباه می‌کند و به باوفایان مهر می‌ورزد.

«وَ مَنْ نَکَثَ فَإِنَّما یَنْکُثُ عَلی نَفْسِهِ وَ مَنْ أَوْفی بِما عاهَدَ عَلَیْهُ اللهَ فَسَیُؤْتیهِ أَجْراً عَظیماً».

«هر که پیمان شکند، جز این نیست که به زیان خود گام برداشته، و هر که بر عهدی که با خدا بسته پابرجا مانَد، به زودی خدا او را پاداش بزرگی خواهد داد» (فتح/ 10).

مَعاشِرَ النّاسِ، قُولُوا الَّذی قُلْتُ لَکُمْ

هان مردمان! آن چه بر شما برگفتم بگویید

وَسَلِّمُوا عَلی عَلیٍّ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنینَ،

و بر علی با عنوان امیرالمؤمنین درود فرستید

وَقُولُوا: «سَمِعْنا وَ أَطَعْنا غُفْرانَکَ رَبَّنا وَ إِلَیْکَ الْمَصیرُ»،

و بگویید: «شنیدیم و فرمان می‌بریم پروردگارا، آمرزشت خواهیم و بازگشت به سوی تو است.» (بقره/ 285)

وَ قُولوا: «اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی هَدانا لِهذا وَ ما کُنّا لِنَهْتَدِی لَوْلا أَنْ هَدانَا الله لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالحَقّ»

و نیز بگویید: «تمام سپاس و ستایش خدایی راست که ما را به این راهنمایی فرمود وگرنه راه نمی‌یافتیم» (اعراف/ 43)

مَعاشِرَ النّاسِ، إِنَّ فَضائِلَ عَلیِّ بْنِ أَبی طالِبٍ عِنْدَ الله عَزَّوَجَلَّ - وَ قَدْ أَنْزَلَها فِی الْقُرْآنِ - أَکْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِیَها فی مَقامٍ واحِدٍ،

هان مردمان! هر آینه برتری‌های علی بن ابی طالب (ع) نزد خداوند عزّوجل - که در قرآن نازل فرموده - بیش از آن است که من یکباره برشمارم.

فَمَنْ أَنْبَاَکُمْ بِها وَ عَرَفَها فَصَدِّقُوهُ.

پس هر کس از مقامات علی (ع) خبر داد و آن‌ها را شناخت او را تصدیق و تأیید کنید.

مَعاشِرَ النّاسِ، «مَنْ یُطِعِ اللهَ وَ رَسُولَهُ» وَ عَلِیّاً وَ الْأَئِمَةَ الَّذینَ ذَکرْتُهُمْ «فَقَدْ فازَ فَوْزاً» عَظیماً.

هان مردمان! «آن کس که از خدا و رسولش» و علی و امامانی که نام بردم «پیروی کند، به رستگاری بزرگی دست یافته است» (احزاب/ 71).

مَعاشِرَالنَّاسِ، السّابِقُونَ إِلی مُبایَعَتِهِ وَ مُوالاتِهِ وَ التَّسْلیمِ عَلَیْهِ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنینَ

هان مردمان! سبقت جویان به بیعت و پیمان با او و سرپرستی او و سلام‌کنندگان بر او با لقب امیرالمؤمنین،

«أُولئکَ هُمُ الْفائزُونَ» «فی جَنّاتِ النَّعیمِ».

«آنان، همان رستگارانند» (توبه/ 20) و «در بهشت‌های پربهره خواهند بود» (واقعه/ 12).

مَعاشِرَ النّاسِ، قُولُوا ما یَرْضَی اللهَ بِهِ عَنْکُمْ مِنَ الْقَوْلِ،

هان مردمان! سخنی را که خدا را خشنود می‌کند بگویید

فَإِنْ تَکْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِی الْأَرْضِ جَمیعاً «فَلَنْ یَضُرَّ الله شَیْئاً».

که اگر شما و تمامی زمینیان کفران ورزید، «خدا را زیانی نخواهد رسانید» (آل عمران/ 144).

اللهمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنینَ (بِما أَدَّیْتُ وَأَمَرْتُ)

پروردگارا، آنان را که به آن چه ادا کردم و فرمان دادم ایمان آوردند، بیامرز.

وَاغْضِبْ عَلَی (الْجاحِدینَ) الْکافِرینَ،

و بر منکران کافر خشم گیر!

«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ».

و «ستايش مخصوص خداوندى است كه پروردگار جهانيان است» (فاتحة/ 1)

پس از سخنان رسول خدا (ص) جمعیت شروع کردند به امیرالمومنین (ع) تبریک گفتند و حسان بن ثابت نیز با اجازه رسول خدا، ماجرای غدیر در شعری سرود.